



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه: شناسه چیه که سرش چی باشه؟!
عنوان و نام پدیدآور: اگه نمیدونی و خریدی که اوضاع خیلی خیطه
مشخصات نشر: پول بده تا مشخصات لو بدم
مشخصات ظاهری: خودت ببین دیگه! تو دستته
شابک: شماره استاندارد بین المللی کتاب
وضعیت فهرست‌نویسی: خداروشکر وضعیتش خوبه
شماره کتابشناسی ملی: معلومه دیگه! ما یکیم!

پر نکته



عنوان کتاب: پرنکته
مؤلف: گروه مؤلفین مرکز مشاوره انسانیا
نظارت: سعید دولت کردستانی
ویراستاران: ریحانه خلجی، زینب خلف زاده، مهدی سرلک، مه‌رسا سروس، علی اکبر طاهری،
مه‌دیه کارگر، امین موسوی، علیرضا میرزایی، پرنیا نامی، محمد نظامی، نیوشا یزدخواستی
طراح جلد: تارا کشفی
گرافیکست: سمیرا کلاته
صفحه‌آرا: غزاله دانش
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰
راه ارتباطی تلگرام: ۰۹۳۶۷۹۰۰۴۷۰
راه ارتباطی واتس‌آپ: ۰۹۳۶۷۹۰۰۴۷۰
سایت: www.ensania.ir
کانال تلگرام: @ensania_ir
صفحه اینستاگرام: @ensania_ir
قیمت: ۴۴۵,۰۰۰ تومان

👉 واسه اینکه پرنکته آماده شه، اول کتاب درسی رو خوندیم. بعد که فهمیدیم چی مهمه، اونارو یه جا نوشتیم. بعد نوشته‌ها رو بررسی کردیم و کم و زیاد کردیم. بعد فرستادیم واسه تایپ، تایپشو دادن به ما. ما بررسی کردیم، بعد دادیم صفحه‌آرا. صفحه‌آرا کارشو انجام داد فرستاد ما، ما بررسی کردیم بهش گفتیم یه جاهایی رو اصلاح کنه. اصلاح کرد و داد به ما، ما فرستادیم چاپخونه. چاپخونه چاپ کرد، بعد داد به ما. ما دادیم پست. پست آورد برا شما هم‌زمان طراح جلد و گرافیکست داشتن رو شخصیت‌ها کار می‌کردن.

همه این چیزا حدود یکسال زمان برد!

خواستیم بگم پشت این یه جلد، کلی داستان و زحمت هست!

ممنون میشم این کتاب رو کپی نکنی، پرینت نگیری و حواست به همه این زحماتا که به‌خاطر تو بوده، باشه ❤️

مقدمه مؤلف

هر کتابفروشی که بری، کلی کتاب قشنگ و کاربردی میبینی از رشته تجربی! کتابای خفن؛ با کلی عنوان مختلف! ولی یه چیز حس میشه! کتابای کاربردی ویژه رشته انسانی! کتابی که بگی:

این بود اون چیزی که من میخواستم!

مقصر این جریان هم مهم نیست. چه فرقی می‌کنه بگن: «مگه انسانی به کتاب کمک درسی نیاز داره» یا بگن: «انسانی برا تنبلاست» یا هرچیز دیگه! مهم اینه تعداد اختصاصیامون دوبرابر بقیه رشته‌هاست؛ اکثر درسامون هم متنی هست؛ یعنی کلی درس و کلی صفحه که قطعاً نیاز به یک منبع خاص برای مواقع خاص داره! یه منبع که خیال دانش‌آموز از حجم زیاد درسا جمع شه! یه منبع که همه نکات رو توش داشته باشه؛ ولی زیاد نباشه! یه منبع مثل پرنکته...

می‌تونیم با قاطعیت بگیم که پرنکته اولین کتابی هست که کل دروس کنکور عشقمون (یعنی انسانی) رو خلاصه کرده و بالای هفتاد درصد مطالب کتاب رو توی حجم کمی آورده و شما می‌تونید از این جزوه برای دوره مطالب درساتون استفاده کنید که در صورت استفاده درست، از خیلیا جلو می‌فتید. تنها خواهش من اینه که از این جزوه -با اینکه مطالبش کامله- به عنوان منبع اصلی استفاده نکنید! چون منبع اصلی کنکور کتاب درسیه! ولی این کتاب یه منبع مکمل خفنه!

رفیق شما؛ سعید دولت کردستانی

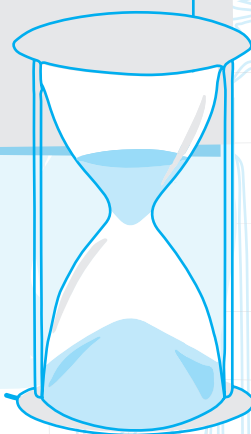
تنها فدایی که دست تو میگیره
باوریه که تو ذهن توئه
کافیہ انتقاب کنی:
باورت سقوط باشه یا پرواز!

فہرست

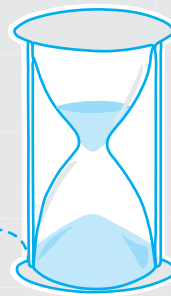
تاریخ.....	۵
جغرافیا.....	۷۸
جامعہ.....	۱۱۶
علوم فنون.....	۱۵۰
عربی.....	۱۸۲
ریاضی.....	۱۹۶
فلسفہ و منطق.....	۲۱۳
روانشناسی.....	۲۴۴
اقتصاد.....	۲۵۸

تاریخ

سال دهم
سال یازدهم
سال دوازدهم



تاریخ سال دهم



درس اول. تاریخ و تاریخ نگاری

معانی مختلف واژه تاریخ:

- مجموعه حوادثی که فرد یا جامعه از سر گذرانده؛ مثل تاریخ ایران
- علم و روش علمی است که به وسیله آن رویدادهای گذشته براساس شواهد و مدارک مطالعه و تحلیل میشوند مثل تاریخ روابط اقتصادی ایران و هند در دوران اشکانیان
- تعیین روز و ماه و سال (تقویم سالانه)
- ویژگیهای رویدادهای تاریخی:

 - دور از دسترس و غیرقابل مشاهده‌اند و به‌طور مستقیم نمیتوان آنها را درک کرد بلکه از شواهد باید آنها را شناخت
 - تکرارناپذیر و غیرقابل تجربه‌اند
 - مستقل نیستند بلکه با یکدیگر رابطه علی دارند

- انسان در تاریخ نقش محوری دارد و رویدادها و تحولات تاریخی در نتیجه رفتار متقابل انسانها با یکدیگر و طبیعت پدید آمده‌اند.
- تمدن پیامد رفتار فردی و جمعی انسانهاست.
- تاریخ علمی که به مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی انسانها و جوامع در گذشته میپردازد و علل و نتایج افکار و اعمال پیشینیان را بررسی میکند.
- هدف علم تاریخ: آگاهی از زندگی اجتماعی در گذشته.
- پس از اختراع خط (۵ هزارسال پیش)، توجه انسان به ثبت رویدادهای عصر خویش جلب شد.
- قدیمی‌ترین متن تاریخی: سنگ‌نوشته‌ای به خط کهن مصری (بیش از ۴ هزارسال قدمت) که در آن نام تعدادی فراعنه و حوادث دوران آنان ذکر شده است.
- از روزگار باستانی ایران به ویژه هخامنشیان و ساسانیان سنگ‌نوشته‌هایی باقی مانده که نشان از توجه ایرانیان به ثبت وقایع تاریخی دارد.
- تدوین خدای‌نامه‌ها (خدای نامک) در زمان ساسانیان دلالت بر علاقه ایرانیان به ثبت و نگارش اخبار و وقایع و رویدادهای مهم دارد.
- تاریخ نگاری در مفهوم کامل آن از قرن ۵ ق.م در یونان با ظهور هرودت (پدر تاریخ) آغاز شد.
- کتاب تاریخ هرودت که بیشتر مطالبش شرح جنگهای یونان و ایران است، کهن‌ترین و کامل‌ترین کتاب تاریخی از عصر باستان است.
- هرودت در گزارش رویدادهای مربوط به ایران، خواسته یا ناخواسته، دچار لغزشها و غرض‌ورزی‌هایی شده است.
- پس از هرودت، دیگر نویسندگان یونانی و سپس رومی راه او را ادامه دادند و فن تاریخ‌نویسی را تکامل بخشیدند.
- برخی معتقدند رواج ادبیات و فلسفه، تاثیر زیادی بر شکوفایی علم تاریخ در یونان باستان داشته است.

در دوران اسلامی، تاریخ‌نگاری در میان مسلمانان رواج یافت و کتب تاریخی ارزشمندی نوشته شد (شمار زیادی از این مورخان مانند طبری و بیهقی، ایرانی بودند).

بیشتر مورخان دوران اسلامی به تنظیم، ثبت و نگارش وقایع میپرداختند و توجهی به بررسی علل و آثار و نتایج رویدادها نداشتند؛ این مورخان بیشتر به بیان حوادث سیاسی، نظامی و شرح حال فرمانروایان میپرداختند و به مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی اهمیت نمیدادند.

برخی وقایع‌نویسان به عنوان منشی در خدمت شاهان بودند و آنان را در مسافرتها و جنگها همراهی میکردند؛ بعضی از مورخان درباری به اسناددولتی دسترسی داشته و میتوانستند از آنان برای ثبت رویدادها استفاده کنند.

به دنبال پیشرفتهایی که در رنسانس (حدود قرنهای ۱۳ تا ۱۷) به وقوع پیوست، علم تاریخ نیز متحول شد و شیوه نوینی در تاریخ‌نگاری پدید آمد که اساس این شیوه بر سنجش دقیق منابع، استناد به اسناد و دوری از داستان‌پردازی بود.

ویژگی‌های تاریخ نگاری نوین:

- بررسی تمام جنبه‌های زندگی مردم و جوامع گذشته
- بررسی و تحلیل زمینه‌ها، علل و نتایج حوادث تاریخی
- استفاده از یافته‌های علوم و فنون مختلف
- مراحل پژوهش در تاریخ:

 - انتخاب موضوع: برای انتخاب موضوع معیارهایی باید مورد توجه قرار گیرند مثلاً موضوع تحقیق تازه و غیرتکراری باشد، مسئله تازه‌ای را بررسی کند و نظر جدیدی ارائه دهد، دارای اثر و فایده باشد و دارای منابع و اطلاعات کافی باشد
 - تدوین پرسشهای تحقیق: پرسشها، هدف پژوهش را مشخص میکنند و مانع از بیراهه رفتن پژوهشگر از مسیر درست پژوهش میشوند؛ در پژوهشهای تاریخی، اغلب از زمینه‌ها، علل، آثار و نتایج رویدادها و با نقش افراد و گروه‌های درگیر در رویدادها پرسش میشوند
 - شناسایی منابع: پژوهشگر پس از شناسایی منابع، میزان اعتبار، دقت و صحت، آنها را ارزیابی میکند؛ همچنین اگر محقق از اسناد استفاده کند باید از اصالت سند مطمئن باشد
 - گردآوری و تنظیم اطلاعات: پژوهشگر اطلاعات را از منابع استخراج و سپس تنظیم مینماید
 - تحلیل و تفسیر اطلاعات: مورخان برای تحلیل و تفسیر نیازمند روشها و مهارتهای خاصی هستند (کار آنها به کار کارآگاهان پلیس شباهت دارد؛ زیرا هر دو به دنبال شواهد و مدارکی هستند که گذشته را بازسازی و تفسیر کنند)
 - گزارش یافته‌های پژوهش: در این مرحله، پژوهشگر نتایج را استخراج و در قالب گزارش علمی ارائه میکند.

- منابع پژوهش علمی در تاریخ: بر منابع مکتوب، تحقیقات و آثار باستانی و تاریخی و... منبع دست اول یا اصلی: آثاری که در زمان وقوع حادثه یا نزدیکترین زمان به وقوع آن نوشته شده‌اند (نویسندگان این منابع خود ناظر رویدادها بوده‌اند و یا شرح ماجرا را از شاهدان واقعه شنیده‌اند) علاوه بر پایه منابع دست دوم یا فرعی: همه تحقیقات و آثاری که بر پایه منابع دست اول پدید آمده‌اند

■ فواید و کارکردهای مطالعه تاریخ

<p>مطالعه سرگذشت انسانها و جوامع گذشته ← منبعی برای تقویت قوه تفکر.</p> <p>با کاوش در گذشته میتوان از تجربیات مردمان گذشته برای تقویت قدرت شناخت بهره گرفت.</p> <p>جست‌وجوی شواهد تاریخی و تحلیل و تفسیر علل رویدادها، اندیشه‌ورزی قوه‌درک و مهارت را افزایش می‌دهد.</p> <p>شهید مطهری میگوید: از نظر قرآن، تاریخ بشر و تحولات آن را بر طبق یک سلسله سنن و نوامیس صورت میگیرد</p>	<p>منبع شناخت و تفکر</p>
<p>دامنه آگاهی تاریخی فقط محدود به گذشته نمیشود بلکه به درک زمان حال و ترسیم مسیر آینده نیز کمک میکند زیرا منابع رویدادهای تاریخی گذشته، حال و آینده را به هم پیوند میدهد.</p> <p>مطالعه تاریخ به ما کمک میکند تا بفهمیم فرهنگها و جوامع چگونه به‌وجودآمده، پیشرفت کرده و به وضعیت امروزی رسیده‌اند؛ بدین گونه علم تاریخ میتواند ما را در ارزیابی و شناخت درست اوضاع و شرایط کنونی و ترسیم افق آینده کمک میکند</p>	<p>بهره‌گیری از گذشته برای حال و آینده</p>
<p>مردمانی که برای سالهای متوالی، سرگذشت مشترکی داشته، نسبت به سرزمین و گذشته خود، نوعی احساس علاقه پیدا می‌کنند؛ از این رو، آگاهی جامعه نسبت به گذشته مشترکشان باعث یگانگی و خودآگاهی بیشتر آنها می‌شود.</p> <p>آگاهی تاریخی ایرانیان از گذشته خود، نقش زیادی در حفظ هویت آنان داشته است.</p> <p>نیاکان ما به اتکای آگاهی و دلبستگی به زبان و فرهنگ خویش توانستند در برابر حوادثی مختلف دوام بیاورند.</p>	<p>تقویت حس میهن‌دوستی و هویت ملی</p>

◀ توسعه قلمرو سلجوقیان در آسیای صغیر، موجب مهاجرت قبایل و طوایف ترک به آن منطقه و تغییر وضعیت سیاسی فرهنگی این ناحیه شد.
 ▶ در زمان ملکشاه، سلسله سلجوقی به اوج قدرت رسید و پس از مرگ او و وزیرش (خواجه نظام الملک) در اثر اختلافات فراوان بر سر قدرت، دچار ضعف شد.

◀ هجوم اقوامی چون قراختائیم و غزها، منجر به از دست رفتن ماورالنهر و وارد آمدن آسیبها به شهرها و روستاهای خراسان و دیگر مناطق شد.
 ▶ با پیروزی تکش خوارزمشاه بر آخرین سلطان سلجوقی، حکومت سلجوقیان منقرض شد.

◀ مبارزات اسماعیلیان در ایران و نیز قدرت گرفتن **اتابکان** در نواحی زیر سلطه سلجوقیان نیز در ضعف سلجوقیان مؤثر بودند.
 ▶ به حاکمان ناحیه خوارزم، **خوارزمشاه** گفته میشود.

◀ در پی ضعف حکومت سلجوقیان، **آتیسز**، حاکم خوارزم ادعای استقلال کرد و جانشین او، تکش با شکست دادن طغرل سوم (آخرین سلطان سلجوقی) بر بخش وسیعی از ایران تسلط یافت؛ سلطان محمد خوارزمشاه نیز **توسعه طلبی** را وجهه همت خود قرار داد.
 ▶ در زمان سلطان محمد، روابط خوارزمشاهیان با خلافت عباسی، به تیرگی گرایید؛ خلیفه که درصدد احیای قدرت خود بود از **تایید حکومت خوارزمشاهیان** خودداری کرد؛ به همین سبب سلطان محمد برای مقابله با عباسیان یکی از سادات حسینی به نام سید **علاالملک ترمذی** را به عنوان خلیفه اعلام کرد و به بغداد لشکر کشید که سپاهش در **اسدآباد همدان** بر اثر برف متوقف شد.

◀ **حمله چنگیز مغول** در زمان سلطان محمد خوارزمشاه اتفاق افتاد و در پی آن حکومت خوارزمشاهیان نیز ساقط گردید.
 ▶ فرمانروایان غزنوی دریافته بودند که برای اداره قلمرو رو به توسعه خود، به **تشکیلات دیوانی و دیوان سالاران** حکومت سامانی نیاز دارند و به همین دلیل بسیاری از دیوان سالاران سامانی و حتی آل بویه را به خدمت گرفتند.
 ▶ سلجوقیان نظام اداری را با به کارگیری دیوان سالارانی همچون **عبدالملک کندری** و **خواجه نظام الملک** کاملتر کردند که در این بین نقش **نظام الملک** به اندازه‌ای برجسته است که میتوان دوران وزارت او را **عصر نظام الملک** نامید.

◀ **خواجه نظام الملک** در تلاش بود برای تقویت حکومت مرکزی از طریق **تقویت نظام اداری** مدنظر خود (مبنتی بر میراث اداری کهن ایران) به مقابله با نیروی سرکش امیران و نظامیان سلجوقی پرداخت که این چالش منجر به تقابل دو نیروی مخالف شد که به تقابل **اهل قلم** (دیوان سالاران) و **اهل شمشیر** (نظامیان) معروف است.

◀ نظام اداری سلجوقی **الگوی مطلوبی** برای حکومت‌های پس از خود شد.
 ▶ در عصر سلجوقی، **دیوان وزارت** به شکوهمندی زیادی رسید.
 ▶ وزیر در منصب خود **امنیت** نداشت و آنچه سبب **تداوم کار** وی میشد، **اراده سلطان** بود.

◀ نظام اداری خوارزمشاهیان **تداوم نظام اداری سلجوقی** بود و فقط برخی تفاوتها داشت.

◀ در دوران حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهیان، **عمده جمعیت ایران** در روستاها به سر میبردند.

درس دهم؛ ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی

◀ از اواخر قرن ۴ تا زمان **حمله مغول** (اوایل قرن ۷) سه سلسله غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر ایران حکومت کردند.

◀ **الپتگین** از جمله ترکانی بود که در دربار سامانیان به مقام سپهسالاری رسید؛ او در **میانه قرن ۴**، در شهر **غزنه** زمینه ایجاد حکومتی را فراهم آورد.

◀ **هنگام ضعف سامانیان**، **محمود** فرزند سبکتگین و نوه الپتگین، در شهر **غزنه** حکومتی مستقل به نام **غزنویان** تأسیس کرد.

◀ **سبکتگین غلامی ترک** بود که به خدمت الپتگین درآمد و بعد داماد وی شد؛ او تا هنگام مرگش **حکومت غزنه** را در اختیار داشت و نسبت به سامانیان **اظهار وفاداری** میکرد.

◀ **محمود** در پی **کسب حمایت** خلیفه عباسی بسیاری از اقدامات خود را در پوشش **جهاد** و به بهانه **مبارزه با مخالفان خلافت عباسی** انجام میداد؛ به همین دلیل در پی **حمله به ری** که شیعه بودند بسیاری از علما را به قتل رساند و کتابخانه آنجا را به بهانه وجود کتب فلسفی به آتش کشید.
 ▶ از حوادث مهم دوران حکومت محمود: **لشکرکشیهای پی‌درپی به هند** (بهانه او **جهاد در راه خدا**) اما انگیزه‌اش از این حملات به دست آوردن **ثروت فراوان هند** بود؛ **در نتیجه این حملات دین اسلام** و **زبان فارسی** به هند راه یافت.

◀ پس از محمود، **محمد** و **مسعود** پسران او بر سر جانشینی به ستیز پرداختند که **مسعود** به جای پدر نشست.

◀ **مسعود** به دلیل **درگیریهایی** داخل و سرگرم شدن به لشکرکشی به هند، از وضع مردم غافل ماند و هنگامی که سلجوقیان به فرماندهی **طغرل** به **خراسان** هجوم آوردند مردم دروازه شهرها را گشودند.

◀ **مسعود** از سلجوقیان در **نبرد دندانقان** شکست خورد و پس از آن سلطه غزنویان بر خراسان به پایان رسید اما حکومت آنان بر مناطقی از **سرحدات شرقی ایران** و **شمال غربی هند** تا اواخر قرن ششم ادامه یافت.
 ▶ سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان بودند که پس از گرویدن به اسلام، ابتدا در **ماورالنهر** و سپس در **خراسان** مستقر شدند.

◀ **طغرل نیشابور** را به عنوان **مرکز حکومت خود** برگزید و سرانجام به **بغداد** رفت و خلیفه را از تسلط آل بویه در آورد و خود را **منجی خلافت** معرفی کرد؛ خلیفه نیز دستور دارد نام او را در **خطبه** بخوانند و سکه به نام او زدند.

◀ خلیفه لقب **سلطان رکن‌الدوله** را به **طغرل** داد.

◀ در زمان آل اربلان (جانشین طغرل) سلجوقیان در **نبرد ملازگرد** سپاهیان روم شرقی را شکست دادند.

◀ قلمرو سلجوقیان وسیعترین قلمرو ایران دوران اسلامی بود (از رود سیحون تا دریای مدیترانه).

- ◀ شهرها از سه بخش **کهندژ** (ارگ) **شهرستان** (شارستان) و **شهر بیرونی** (رَبَض) تشکیل میشد (شهر بیرونی در دوره سلجوقی بیش از ادوار پیشین گسترش یافت که علت آن رشد تجارت و افزایش جمعیت بود؛ همراه با این تحول، عناصر شهر اسلامی به شهر بیرونی منتقل شدند).
- ◀ شهرهای که مرکز یک ناحیه محسوب میشدند به دلیل وجود **نهادهای مختلف**، شاهد افزایش جمعیت و توسعه عناصر شهری بودند.
- ◀ در دوره سلجوقی به دلیل رشد شهرنشینی، طبقه بازرگان اهمیت یافت.
- ◀ بافت مذهبی شهر و روستایی این دوره را عمدتاً **اهل تسنن** تشکیل میدادند و شیعیان ۱۲ امامی نیز در برخی شهرها پراکنده بودند.
- ◀ **از مراکز شیعه‌نشین: بیهق، ری، گرگان، ساری، قم.**
- ◀ **پیروان مذهب اسماعیلیه** در شهرها و روستاها پراکنده بودند که این گروه مهم‌ترین مخالفان خلافت عباسی و **دو حکومت غزنوی و سلجوقی** بودند.
- ◀ در این دوره، اختلافاتی میان پیروان برخی فرقه‌ها پیش می‌آمد و دخالت مقامات در امور مذهبی و جانبداری از یک فرقه، به این اختلافات دامن میزد.
- ◀ از تحولات چشمگیر دوران حاکمیت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان در ایران بود.
- ◀ عمده‌ترین شکل مالکیت زمین در ایران، **مالکیت دولتی یا دیوانی** بود که از دوران باستان در ایران رواج داشت.
- ◀ در عصر سلجوقی با **تدبیر نظام‌الملک** شکلی از زمینداری با عنوان **اقطاع** که در دوره آل بویه رایج بود گسترش یافت.
- ◀ اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا صاحبان مشاغل دیوانی گفته میشد.
- ◀ نظام‌الملک با هدف نظارت و آباد کردن زمینهای بایر، نظام اقطاع را توسعه داد (در ابتدا نتایج مثبتی داشت اما پس از نظام‌الملک به دلیل تمایل صاحبان اقطاع به استقلال، سبب جدایی مناطقی شد که زمینهای اقطاعی در آنها قرار داشتند و نهایتاً به **ضعف حکومت سلجوقی** کمک کرد.
- ◀ نوع دیگر مالکیت که در این دوران در ایران توسعه یافت، **زمینهای وقفی** بود.
- ◀ عوامل مؤثر در رشد تجارت در دوره سلجوقی:
- ۱ **گسترش قلمرو**
 - ۲ **برقراری نظم و امنیت**
 - ۳ **ایجاد راه‌های جدید و توسعه حمل و نقل**
 - ۴ **وجود نظام دیوانی کارآمد**
- ◀ صرافان که وظیفه انجام معاملات پولی و تسهیل مبادله کالاها را به عهده داشتند، نقش مهمی در توسعه تجارت خارجی ایفا کرد.
- ◀ قرون ۴ تا ۷، **دوران توسعه زبان و ادب فارسی** و ظهور بزرگترین نویسندگان و شاعران زبان فارسی است.
- ◀ در عصر **غزنوی** شعر فارسی به **اوج خود** رسید؛ فردوسی شاهنامه را نوشت و ابوالفضل بیهقی یکی از بزرگترین شاهکارهای زبان فارسی یعنی تاریخ بیهقی را نوشت و در عصر سلجوقی این روند رشد سریعتی به خود گرفت.
- ◀ شعر فارسی در انتهای دوره سلجوقی به رونق و شکوفایی فراوانی دست یافت.
- ◀ در دوره غزنوی **ابوریحان بیرونی** در نجوم و جغرافیا و در دوره سلجوقی **ابوالعباس لوکری** و **خیام نیشابوری** در ریاضیات و نجوم، **سیداسماعیل جرجانی** در پزشکی از معروفترین دانشمندان بودند.
- ◀ با حمایت **حاکمان و وزرا** و نیز موقعیت علمای مذهبی، **علوم دینی** در قیاس با دیگر علوم از جایگاه برتری برخوردار شد.
- ◀ با حمایت حاکمان، مراکز آموزشی که بیشتر به **تعلیم علوم دینی** اختصاص داشت، گسترش یافت؛ **نظامیه‌ها** که به همت **نظام‌الملک** ساخته شدند از این جمله‌اند.
- ◀ نظامیه‌ها به تدریس **فقه شافعی** و دانشهای وابسته به آن اختصاص داشت.
- ◀ مذهب شافعی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است که توسط **ابوعبدالله محمد بن ادریس شافعی** پایه‌گذاری شد.
- ◀ امام محمد غزالی از **مهمترین و معروفترین عالمانی** بود که در **مدارس نظامیه** درس خواند و درس داد.
- ◀ آخرین نظامیه تا **حمله هلاکوخان** فعال بود.
- ◀ دوره سلجوقی از دوره‌های مهم **هنر اسلامی** تلقی میشود.
- ۱ **گسترش قلمرو**
 - ۲ **حکومت فراگیر**
 - ۳ **توسعه شهرنشینی**
 - ۴ **رشد اقتصادی**
 - ۵ **حمایت دولت مردان در شکوفایی هنر و معماری دوره سلجوقی**
- تاثیر بسزایی داشت
- ◀ **مسجد جمعه اصفهان** اولین مدرسه چهار ایوانی در ایران است.
- ◀ **فلزکاری** در عصر سلجوقی دوران درخشانی را پشت سر گذاشت.
- ◀ **هنر سفالگری** در عصر سلجوقی به کیفیت دوره سامانی **نرسید** اما با استفاده از نقوش جانوری و گیاهی **توسعه یافت** و مراکز سفالگری به **کاشان** انتقال یافت.
- ◀ **هنر کاشی‌کاری** در کنار توسعه **معماری** در این دوره به اوج رسید.

درس هشتم؛ جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن

مشکلات جهان میان دو جنگ

<p>◀ پس از پایان جنگ جهانی اول و امضای معاهده ورسای چنین به نظر میرسید که اروپا و سایر نقاط دنیا در حال ورود به عصری از ثبات، صلح و آرامش بین‌المللی هستند. اما با گذشت زمان همه چیز تغییر کرد.</p> <p>◀ قرارداد صلح به هیچ عنوان داوطلبانه و اختیاری نبود، بلکه قراردادی میان کشورهای شکست‌خورده و کشورهای پیروز بود که طی آن طرف شکست خورده برای فرار از نابودی و به اجبار، آنچه طرف پیروز میگفت را پذیرفت.</p> <p>◀ متفقین که هر یک در ایجاد جنگ مقصر بودند، تمام تقصیرها را متوجه آلمان نموده و با تنبیه این کشور، زمینه‌های نارضایتی و بروز جنگهای بعدی را فراهم آوردند</p>	<p>صلح ناپایدار</p>
<p>◀ جامعه ملل که برای کمک به حل و فصل اختلافات کشورها و جلوگیری از دشمنی و جنگ میان دولت‌ها به وجود آمده بود، فاقد قدرت کافی برای تحقق این هدف بود و تصمیماتش ضمانت اجرایی لازم را نداشت. آمریکا که خود پیشنهاد تأسیس جامعه ملل، موجب به عضویت آن در نیامد.</p> <p>◀ خروج ژاپن، آلمان و ایتالیا و نیز اخراج شوروی از جامعه ملل موجب بی‌اعتباری بیشتر این نهاد شد؛ به همین سبب، جامعه ملل در فاصله میان دو جنگ در مقابل تهاجم نظامی برخی دولت‌ها به کشورهای دیگر، اقدام بازدارنده و مؤثری نتوانست انجام دهد</p>	<p>ضعف جامعه ملل</p>
<p>◀ از مسائل مهم جهان و به خصوص اروپا در دوران پس از جنگ جهانی اول، بازسازی ویرانیهای ناشی از جنگ و ایجاد رونق و رفاه اقتصادی بود. برخی از کشورها، مانند انگلستان، به اتکای منابع خود و ثروت مستعمراتشان این کار برآمدند اما بسیاری دیگر با مشکلاتی مانند رکود و تورم روبه روشدند.</p> <p>◀ آلمان از جمله کشورهایی بود که در نخستین سالهای پس از جنگ جهانی اول شرایط اقتصادی وخیمی داشت؛ زیرا علاوه بر خرابیهای حاصل از جنگ، مستعمراتش را از دست داده و محکوم به پرداخت غرامتهای سنگین شده بود. ایالات متحده که اقتصادش در جنگ کمتر آسیب دیده بود، اقدام به اعطای وام به دیگر کشورها، از جمله آلمان کرد اما ناگهان خود گرفتار بحران و رکود اقتصادی عظیمی شد که در پی آن، اقتصاد جهان نیز به هم ریخت و مشکلات فراوانی به وجود آمد.</p> <p>مسائل و مشکلات اقتصادی تاثیر بسزایی در روی کار آمدن حکومت‌های دیکتاتوری به خصوص اروپا داشت</p>	<p>بحران اقتصادی</p>
<p>◀ پس پایان جنگ جهانی اول، امید به استقرار نظامهای آزاد و دموکرات در اروپا و سایر نقاط جهان چندان دوام نیاورد و رژیم‌های دیکتاتوری یکی پس از دیگری سربرآوردند مانند:</p> <p>۱ استالین در شوروی ۲ فاشیست‌ها در ایتالیا ۳ هیتلر در آلمان ۴ ژاپن</p>	<p>ظهور حکومت‌های خودکامه</p>

- ◀ پس از مرگ **لنین**، **ژوزف استالین** دبیر کل حزب کمونیست، رقیب خود را از سر راه برداشت. استالین با **تحکیم موقعیت سیاسی** خود، قدم در مسیر دیکتاتوری گذاشت.
- ◀ او عده‌ای از **بلشویک‌های قدیمی**، **اندیشمندان**، **افسران ارتش**، **اعضای حزب کمونیست**، **دیپلمات‌ها** و **مردم عادی** را که در برابرش مخالفت میکردند، به مرگ محکوم کرد و یا به اردوگاه‌های کار اجباری در **سیبری** فرستاد که هیچگاه از آنجا باز نگشتند.
- ◀ یکی از این برنامه‌های استالین، **طرح اشتراکی کردن مزارع کشاورزی** بود که با اعمال قدرت و خشونت ادامه یافت. علاوه بر این، برنامه‌ای را با هدف **صنعتی کردن سریع کشور** به اجرا درآورد. اساس برنامه استالین، **بر تولید کالاهای سرمایه‌ای و سلاح جنگی** استوار بود. با اجرای این برنامه، تولید ماشین آلات صنعتی، نفت، برق، فولاد و زغال سنگ به طرز فوق‌العاده‌ای افزایش یافت.
- ◀ **ایتالیا** در سال‌های پس از جنگ جهانی اول با مشکلاتی چون **تورم**، **بیکاری**، **اعتصاب** و **ناآرامی‌های کارگری** روبه‌رو شد.
- ◀ چون **حکومت پادشاهی مشروطه ایتالیا** نمیتوانست مشکلات را حل‌وفصل کند، **روزنامه‌نگار** و **سیاست‌مداری** به نام **بنیتو موسولینی** که رهبر حزب کوچکی موسوم به **فاشیست** بود، از فرصت استفاده کرد و قدرت را به دست گرفت.
- ◀ **فاشیست‌ها** یک **گروه ملی‌گرای افراطی** بودند که میخواستند دولت **تک‌حزبی قدرتمند** و **متمرکز**ی در ایتالیا ایجاد کنند.
- ◀ **پادشاه ایتالیا** به تشویق صاحبان صنایع، **زمین‌داران** و **نظامیان** که خواستار ایجاد **دولتی مقتدر** بودند، **موسولینی** را به **نخست‌وزیری** منصوب کرد.
- ◀ **موسولینی** پس از پیروزی در انتخابات مجلس، **درمدت کوتاهی** با **ازبین بردن احزاب رقیب**، **قدرت** را **یکپارچه** کرد.
- ◀ **موسولینی** تا حدود زیادی به وعده‌های خویش درباره **کاهش بیکاری** و **تورم** و **پایان دادن به اعتصاب‌ها** عمل کرد. از این رو، تا زمانی که ایتالیا **درگیر جنگ جهانی دوم** نشده بود، بسیاری از مردم این کشور **شیفته وی** بودند.
- ◀ در **بُعد روابط خارجی**، **موسولینی** **سودای احیای دوباره امپراتوری روم باستان** و **تسلط بر دریای مدیترانه** و **شمال آفریقا** را **درسر میپروراند** (تجاوز این کشور به **اتیوپی** در آفریقا با تکیه به همین تفکر صورت گرفت).
- ◀ پس از شکست **آلمان** در **جنگ جهانی اول** و **پناهنده شدن امپراتور وقت آلمان** به **هلند**، **حکومتی جمهوری** در آلمان بر سر کار آمد؛ بسیاری از آلمانی‌ها از این حکومت به سبب **امضای پیمان ورسای** و **گسترش رکود** و **بیکاری** ناخشنود بودند؛ در این شرایط، **هیتر** که رهبر حزب نازی بود، **مشکلات آلمان** را به همراه **راه‌لهای آن** توضیح میداد و **بر لغو پیمان ورسای** و **تجدید غرور** و **اقتدار ملی** تاکید میکرد.
- ◀ **حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان** اصطلاحاً **حزب نازی** نامیده میشود.
- ◀ نازی‌ها مانند **فاشیست‌ها**، **ملی‌گرایانی افراطی** و **نژادپرست** بودند و یکی از شعارهای آنان که تأثیر زیادی داشت **"آلمان، بیدار شو"** بود.
- ◀ پس از موفقیت نازی‌ها در انتخابات مجلس، **هیتر** **صدراعظم آلمان** شد و با **قبضه کامل قدرت**، **نظام دیکتاتوری تک‌حزبی** را در کشور برقرار کرد و خود را **پیشوا** خواند (در این زمان، **تمام حزبهای سیاسی** به **حزب نازی** **منحل** و **نیروی پلیس** و **سازمانهای دولتی** از افراد **غیرنازی** پاکسازی شدند).
- ◀ **مسئولیت** **تأمین امنیت داخلی** پس از **هیتر**، به **عهده** **سازمان پلیس مخفی‌ای** موسوم به **گشتاپو** گذاشته شد و **اردوگاه‌های کار اجباری** برای **مخالفان** برپا گردید.
- ◀ **هیتر** پس از **به‌دست‌گرفتن** **زام امور**، **قرارداد ورسای** را **لغو** کرد و برنامه‌های **گوناگونی** را به‌اجرا درآورد (از جمله **طرح‌های عمرانی** و **اقتصادی** **هیتر**):
- ۱ **ساخت شبکه وسیعی** از **جاده‌ها** و **راه‌آهن**
 - ۲ **ایجاد موسسات عمومی**
 - ۳ **راه‌اندازی کارخانه‌ها** به **خصوص صنایع تسلیحاتی**؛ این طرح‌ها به **بحران رکود** و **بیکاری** در آلمان پایان داد
- ◀ در **بُعد نظامی** **هیتر** به **سرعت ارتش** و **تشکیلات نظامی** را **گسترش** داد و به **سلاح‌ها** و **فناوری‌های پیشرفته جنگی** مجهز کرد.
- ◀ در **بُعد روابط خارجی**، **نازی‌ها** علاوه بر **بستن پیمان‌ها**، **برنامه‌های توسعه طلبانه** **سرحدی** و **سرزمینی** خود را **پیش** بردند.
- ◀ **هیتر** **عقیده** داشت که **آلمان** برای **به‌دست‌آوردن فضای حیاتی**، **باید** **سرزمین‌هایی** را در **اروپا** فتح کند.
- ◀ در **پی اصلاحات موسوم به انقلاب میچی** در **نیمه دوم قرن ۱۹**، **حکومتی کاملاً مرکزی** در ژاپن برپا شد.
- ◀ **نخستین اولویتها** پس از **انقلاب میچی**، **تغییر وضع ناتوان ژاپن** در **روبارویی** با **خطر جهانگشایی غربی** و **جبران عقب ماندگی‌های نظام قبلی** بود اما در پاسخ به این نیاز، **کشورهای غربی** را **سرمشق** قرار دادند و **گمان** میکردند که **هیچ ملت آسیایی** نمیتواند از **ریشه‌های اصیل خود** **دژی** بسازد که بتواند برابر **تهاجم غرب** مقاومت کرده یا با آنها **رقابت** کند. **بدین ترتیب** ژاپن **اولین گامها** را در **راه صنعتی‌شدن** برداشت و **همزمان** شروع به **استعمار سرزمینهای پیرامون** خود کرد.
- ◀ ژاپن در **جنگ جهانی اول** به **اتفاق مثلاً** **پیوست** اما **متحمل** **زیان عمده‌ای** نشد؛ از آنجا که **اقتصاد ژاپن** وابسته به **واردات مواد خام** بود، **رشد صنعتی** این کشور با **قدرت نظامی** و **دریانوردی** ارتباط تنگاتنگی داشت.
- ◀ در **فاصله دو جنگ جهانی نظامیان** **هدایت** **سیاست ژاپن** را در اختیار گرفتند و آن را در **جهت اهداف توسعه‌طلبانه** سوق دادند؛ آنان از **جامعه ملل خارج شدند** و به **کشورهای همسایه** مانند **چین** **لشکرکشی** کردند، و به همراه **آلمان** و **ایتالیا** **کشورهای محور** را شکل دادند.
- ◀ نازی‌ها به رهبری **هیتر** که به **دنبال گسترش مرزهای خود** بوده و برای رسیدن به آن خود را **مجهز** کرده بودند، در **اول سپتامبر ۱۹۳۹** **ناگهان** به **لهستان** **حمله** و **نیمه غربی** این کشور را **تصرف** کردند. **هیتر** **تصمیم** نداشت **همزمان** در **دو جبهه شرقی** (شوروی) و **غربی** (فرانسه) و **انگلستان** **بجنگد**؛ بنابراین روی به **مصالحه با استالین** آورد و حتی به **ارتش شوروی** اجازه داد تا **نیمه شرقی لهستان** را **اشغال** کند.

- ◀ در جبهه غربی؛ بلافاصله بعد از حمله به لهستان، فرانسه و انگلستان به آلمان اعلام جنگ کردند.
- ◀ آلمان محور اتحاد را با ایتالیا و ژاپن تشکیل داد (دولتهای محور) و با زنجیره‌ای از لشکرکشیها، توانست بر بخش زیادی از غرب اروپا چیره شود. شکست و اشغال فرانسه مهمترین دستاورد ارتش نازی بود.
- ◀ هیتلر بعد از فتح پاریس از انگلیسیها خواست که تسلیم شوند ولی انگلستان که از کمکهای آمریکا برخوردار بود، جنگ را ادامه داد و نبردی در هوا، دریا و زیردریا میان دو کشور شکل گرفت.
- ◀ با وجود آنکه انگلستان خسارات بسیاری را متحمل شد ولی نازیها نتوانستند وارد این کشور شوند.
- ◀ نیروهای محور همزمان به شرق اروپا و بالکان هجوم برده و کشورهای آن منطقه را زیرسلطه درآوردند و سپس سرتاسر شمال آفریقا را صحنه جنگ نمودند. حدود دو سال از جنگ سپری شد و دولتهای محور پیروز میدان بودند؛ اما نیمه دوم جنگ اوضاع به تدریج عوض شد.
- ◀ از ابتدای سال ۱۹۴۱ و علی‌رغم مصالحه با شوروی، سمت و سوی تهاجم آلمان ناگهان از غرب اروپا به سمت شوروی تغییر جهت یافت. قدرت نظامی نیروهای شوروی در حدی نبود که بتوانند آلمانیها را شکست دهند؛ پس تصمیم گرفتند که اجازه دهند نیروهای آلمانی وارد مناطق غربی سرزمینشان شوند.
- ◀ سربازان شوروی که از غرب روسیه به سمت شرق عقب نشینی میکردند، در سر راه خود مزارع و آذوقه‌ها را میسوزاندند تا دشمن نتواند از آنها استفاده کند. با این اوصاف نبرد به داخل روسیه کشیده شد و آلمانیها که نتوانسته بودند تا قبل از زمستان سخت روسیه، به پیروزی برسند، به سبب سرمای شدید و کمبود آذوقه، به شدت ضعیف شده و ادامه نبرد برایشان مشکل شد. در این فاصله نیروهای انگلستان و آمریکا به کمک شوروی آمدند.
- ◀ آمریکا در طول جنگ به انگلستان و فرانسه کمکهای مالی، تجهیزاتی و تدارکاتی میکرد، ولی حضور رسمی در جنگ نداشت. اما با ادعای حمله ژاپنیه به ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام، این کشور رسماً به متفقین پیوست و با ارتش ژاپن وارد جنگ شد. سرانجام نیروهای ژاپنی در سال ۱۹۴۲ شکست سختی خوردند و در سال ۱۹۴۳ ایتالیا به زانو درآمد. در سال بعد نیروهای متفقین در خاک فرانسه پیاده شدند و این کشور را آزاد کردند و سپس از سمت غرب وارد خاک آلمان شدند.
- ◀ با ورود نیروهای متفقین به برلین، هیتلر خودکشی کرد. ارتش شوروی بخش شرقی و نیروهای انگلیسی و آمریکایی قسمت غربی آلمان را به اشغال خود درآوردند. نیروهای متفقین تعدادی از فرماندهان و سران حکومت نازی را دستگیر و سپس در دادگاه نورنبرگ به‌عنوان جنایتکار جنگی محاکمه کردند.
- ◀ آمریکا دو شهر هیروشیما و ناگاساکی ژاپن را برای اولین بار در تاریخ، با بمبهای اتمی ویران کرد.
- ◀ با سقوط برلین و اعلام تسلیم از سوی ژاپن، جنگ جهانی دوم به‌طور رسمی خاتمه یافت.
- ◀ جنگ جهانی دوم مهلکترین و مخربترین رویداد در تاریخ بشر است. پس از این رویداد، متفکران زیادی در مبانی و همچنین کارآمدی تمدن غرب مدرن برای ساختن دنیایی بهتر تجدیدنظر کردند.
- ◀ تلفات روسیه و آلمان در این جنگ بیش از سایر کشورها بود.
- ◀ آمریکا پس از این جنگ موسسات و سازمانهای متعددی در بخشهای مختلف تاسیس یا تقویت کرد تا از نظم نوینی که بر جهان حاکم شده بود محافظت کند (انقلاب اسلامی ایران، اولین ضربه به نظم جدید آمریکایی در جهان است).
- ◀ وقتی جنگ جهانی دوم در گرفت، ایران اعلام بی‌طرفی کرد؛ در آن زمان ایران روابط بسیاری با آلمان داشت؛ تلاشهای انگلستان برای جلوگیری از دادوستد آلمان با کشورهای بی‌طرف، اعتراض حکومت رضاشاه را برانگیخت و باعث شد که ایران از طریق شوروی به تجارت با آلمان ادامه دهد.
- ◀ در پی هجوم ارتش نازی به خاک شوروی، حفاظت از منابع نفت باکو برای روسها و منابع نفت جنوب ایران برای انگلیسیها اهمیت یافت؛ از سوی دیگر، خاک ایران مناسبترین مسیر برای رساندن کمکها به شوروی بود. بنابراین، درحالیکه ارتش آلمان در خاک شوروی به سوی ایران پیشروی میکرد، دولتهای شوروی و انگلستان از حکومت ایران خواستند که آلمانیها را اخراج کند و به اقدامات خصمانه علیه هیتلر دست بزند.
- ◀ به بهانه حضور نیروهای آلمانی در ایران، نیروهای شوروی و انگلستان، از شمال و جنوب به ایران هجوم آوردند که ارتش ایران مقاومت چندانی نکرد؛ تنها درگیری مختصری میان یگانهای نیروی دریایی ایران با قوای متفقین رخ داد که در جریان درگیریها، دریادار غلامعلی بایندر و برخی همزمانش به شهادت رسیدند.
- ◀ پس از اشغال ایران توسط متفقین، رضاشاه به فرمان انگلیسیها و به سرعت استعفايش از سلطنت را نوشت و به جزیره موريس در جنوب غربی اقیانوس هند تبعید گردید.
- بعد از جنگ جهانی دوم:
- ۱ شوروی تسلط خود را بر اروپای شرقی اعلام کرد
 - ۲ آلمان به دو بخش تقسیم شد که روسها نیمه شرقی و دیگر متفقین نیمه غربی را تحت سلطه گرفتند
 - ۳ بازماندگان جنگ مانند آلمان و ژاپن از داشتن نیروی نظامی مقتدر و مستقل محروم شدند.
- ◀ جلوگیری از گسترش قدرت آلمان و مقابله با متحدین در جنگ باعث همکاری شوروی و آمریکا شده بود اما با پایان جنگ و از میان رفتن دشمن مشترک، این همکاری تبدیل به بی‌اعتمادی، رقابت و تنش شدید شد.
- ◀ آمریکا و هم‌پیمانانش که دارای نظام سرمایه‌داری بودند، بلوک غرب و شوروی و کشورهای اقماری آن به همراه کشورهایی که نظام کمونیستی بر آنها حاکم بود (مانند چین و کره شمالی) بلوک شرق نامیده شدند.
- ◀ کشورهای اقماری به تعدادی از کشورهای اروپای شرقی گفته میشد که شوروی بعد از جنگ جهانی دوم بر آنها تسلط یافت و حکومتهای کمونیستی را در آنجا بر سر کار آورد.

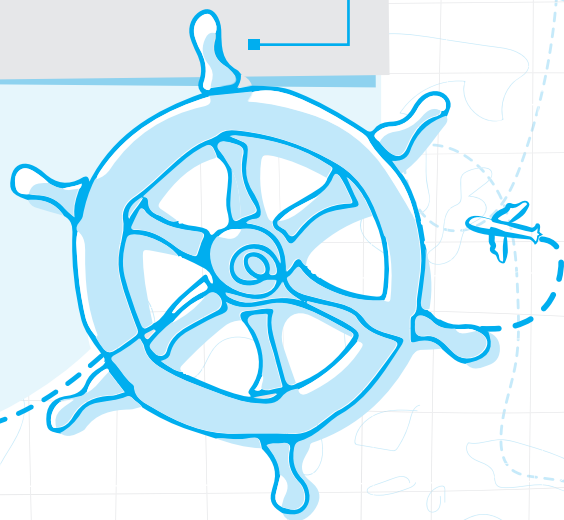
- ◀ آمریکا و شوروی که دو ایدئولوژی مختلف برای اداره جامعه ارائه میدادند، در زمینه‌های مختلف رقابت تنگتنگ داشتند. آنها برای جذب متحدین بیشتر، به برقراری اتحادها و پیمانهای سیاسی و نظامی مانند ناتو و ورشو دست زدند.
- ◀ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با علامت اختصاری ناتو بین آمریکا و هم‌پیمانانش شکل گرفت. کشورهای امضاکننده این پیمان توافق کردند در صورت حمله به یک یا چند کشور عضو، بقیه کشورها درصدد مقابله برآیند. میراث به‌جامانده از این پیمان، بر ضد قدرتهای نوظهور و رقبای تمدن غربی نیز به کار گرفته شد.
- ◀ پیمان ورشو بین شوروی و کشورهای کمونیستی اروپای شرقی در شهر ورشو (پایتخت لهستان) بسته شد. این پیمان در مقابل پیمان ناتو منعقد شد.
- ◀ بین شوروی و آمریکا رویارویی نظامی و جنگ مستقیم اتفاق نیفتاد ولی رقابت و تنشهای مکرر (مانند ساخت دیوار برلین) و جنگهای نیابتی باعث شد که از این دوران، تحت عنوان جنگ سرد یاد کنند.
- ◀ مشکلات اقتصادی و سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی به مرور زمان اعتراضات مردمی را افزایش داد و بلوک غرب نیز با استفاده از دستگاه رسانه‌های خود به آنها دامن میزد. رهبران شوروی سعی کردند تا با انجام اصلاحاتی، این اعتراضات را مهار کنند ولی در نهایت این اتحاد فروپاشید و به دنبال آن بلوک شرق از صفحه تاریخ محو شد. خراب شدن دیوار برلین نماد این فروپاشی است.
- ◀ ژاپن، صنعتی‌ترین کشور آسیا، پس از شکست در جنگ جهانی دوم به اشغال آمریکا درآمد.
- ◀ از تحولات مهم پس از جنگ جهانی دوم: به قدرت رسیدن کمونیستها در چین.
- ◀ پس از شکست و تسلیم ژاپن، جنگ داخلی در چین میان ملی‌گرایان و کمونیستها شدت گرفت و آمریکاییها از ملی‌گرایان و شوروی از کمونیستها پشتیبانی میکردند که سرانجام به پیروزی کمونیستها به رهبری مائو ختم شد و جمهوری خلق چین را تاسیس کردند.
- ◀ با پایان جنگ جهانی دوم در هندوستان، حزب کنگره ملی به رهبری گاندی استقلال این کشور را درخواست کرد و انگلستان تسلیم شد.
- ◀ در الجزایر، دولت فرانسه تلاش کرد با استفاده از نیروی نظامی جنبش استقلال خواهی را سرکوب کند اما مردم با مبارزه به استقلال رسیدند.
- ◀ اشغال فلسطین و تأسیس اسرائیل از مسائل مهم خاورمیانه و جهان اسلام در دوره معاصر است.
- ◀ انگلستان با صدور اعلامیه بالفور، نظر مساعد خود را با ایجاد سرزمین یهودی در فلسطین اعلام کرد (الفور: وزیر خارجه وقت انگلستان).
- ◀ در دوران قیمومیت انگلستان بر فلسطین در سالهای پس از جنگ جهانی اول، یهودیان بیشتری به این کشور مهاجرت کردند و با خرید و تصرف زمینهای وسیع، بر اقتصاد آنجا مسلط شدند.
- ◀ سازمان ملل با فشار شبکه صهیونیسم بین‌الملل و حمایت دولتهای انگلیسی و آمریکا و سکوت بیشتر کشورهای مسلمان، اسرائیل را به رسمیت شناخت.

◀ دلایل اهمیت فلسطین:

- ۱ این سرزمین مهد ادیان الهی و محل زندگی بسیاری از پیامبران بوده و اماکن مقدس بسیاری در آن واقع شده
- ۲ فلسطین در محل تقاطع سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد و راه‌های ارتباطی زمینی این سه قاره از این منطقه میگذرد
- ۳ تشکیل دولت اسرائیل در این منطقه و در قلب دنیای اسلام، دارای یک هدف بلندمدت استکباری است؛ زیرا ادامه حیات و فعالیت اسرائیل، این تضمین را به صهیونیستها میدهد که اگر زمانی دولت اسلامی مقتدری در این منطقه به وجود آمد، اسرائیل با آن مقابله کند و بتواند جلوی نفوذ آنها را بگیرد (بنابراین دستیابی صهیونیستها به قلب دنیای اسلام یعنی فلسطین، باعث تداوم سلطه استعمارگران بر دنیای اسلام است)
- ۴ یکی از مهمترین آبراههای جهان از این منطقه عبور میکند و ارتباط بین غرب و شرق را فراهم میکند (مسیر آبی دریای مدیترانه- دریای سرخ-اقیانوس هند)

جغرافيا

سال دهم
سال يازدهم
سال دوازدهم



بسیاری از مواد غذایی مصرفی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از راه دامداری به دست می‌آید.

۱ گسترده‌گی ایران در عرضهای جغرافیایی ۲ تنوع اقلیمی ۳ تنوع گونه‌های گیاهی، وضعیت مناسبی را برای پرورش انواع دام فراهم کرده است (عوامل طبیعی)

۱ روند روبه‌رشد صنایع تبدیلی ۲ وجود نیروی انسانی متخصص و ماهر ۳ استفاده از روشهای علمی، سبب پیشرفت دامداری شده است (عوامل انسانی).

- ۱ صنایع دامی در
- ۲ اشتغال
- ۳ تولید ناخالص داخلی
- ۴ امنیت غذایی
- ۵ صادرات، نقش مهمی دارند.

صنعت شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به تغییر شکل فیزیکی یا شیمیایی مواد مختلف اولیه و تبدیل آنها به محصولات جدید منجر می‌شود. بسیاری از مشاغل به طور مستقیم یا غیرمستقیم به صنعت وابسته‌اند. بخش صنعت، محرک اصلی رشد، موفقیت و نوآوری کشورها به شمار می‌رود و فعالیت در این بخش به ایجاد اشتغال منجر خواهد شد. بسیاری مشاغل، مستقیماً یا غیرمستقیم به صنعت وابسته است. صنعت در تجارت، تحقیق، توسعه و بهره‌وری سهم قابل توجهی دارد. صنایع اصلی کشور: دستی و ماشینی.

صنایع دستی عمدتاً با استفاده از مواد اولیه بومی و ابزارهای ساده دستی، به تولید محصول منجر می‌شود (در هر واحد آن، ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر تجلی می‌یابد). از صنایع دستی مهم ایران: فرش دستبافت.

صنایع ماشینی شامل صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، فلزات اساسی، خودروسازی، ماشین‌سازی، صنایع شیمیایی و صنایع غذایی می‌شود. صنایع مربوط به فلزات اساسی، از جمله صنایع ماشینی است که شامل صنعت فولاد، آلومینیوم، مس، سرب و روی می‌شود (بخش زیادی از صادرات غیرنفتی کشور را این بخش صنعتی پوشش می‌دهد). صنایع پتروشیمی بعد از نفت و گاز، بزرگترین بخش صنعتی کشور است. صنعت خودروسازی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی است.

صنایع دفاعی وظیفه طراحی و تولید تجهیزات نظامی برای نیروهای مسلح را عهده دارند و از بخش‌های تحقیق و توسعه و تاسیسات و کارخانجات تشکیل شده است. بخش معدن از بخش‌های مهم اشتغال در کشورمان است.

اصفهان، یزد، کرمان، بیشترین شاغلان بخش معدن را دارند. عدم تعادل در پراکندگی قطب‌های صنعتی در سطح کشور نشان می‌دهد که به توان و ظرفیتهای محیطی ایران به طور کامل توجه نشده است. اگر در استفاده از منابع طبیعی، ویژگی‌ها و توانهای محیطی آن منطقه مورد بررسی قرار گیرد، همه مناطق کشور می‌توانند متناسب با امکانات طبیعی و انسانی خود توسعه یابند.

درس دهم؛ توانهای اقتصادی ایران

اقتصاد علمی است که انسان برای تأمین نیازهای خود به آن توجه می‌کند. فعالیت‌های اقتصادی موجب افزایش ثروت در کشورها می‌شود و در نتیجه رفاه و آسایش را برای مردم آن کشور فراهم می‌آورد.

فعالیت‌های اقتصادی در سه بخش انجام می‌شود:

- ۱ کشاورزی
- ۲ صنعت
- ۳ خدمات.

توجه همه جانبه به سه بخش مذکور نقش مهمی در توسعه اقتصادی و پیشرفت کشورها دارد.

برای پیشرفت و توسعه اقتصادی باید از تمام توان مالی موجود بهره گرفت. محیط طبیعی مساعد از یک سو و انسان توانمند از سوی دیگر بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌آورد.

شناخت توانهای محیطی به انسان کمک می‌کند تا از مکانها به طور صحیح و بهینه استفاده کند و در بخشهای مختلف اقتصادی به خوبی عمل نماید. شکلی از رابطه میان انسان و محیط طبیعی که با هدف تأمین غذا صورت می‌گیرد را کشاورزی می‌گویند.

کشاورزی به دلیل:

- ۱ ایفای نقش حیاتی در تأمین مواد غذایی
- ۲ خودکفایی
- ۳ ایجاد اشتغال
- ۴ بهره‌مندی صحیح از مواهب الهی مانند آب و خاک، در اقتصاد کشور نقش مهمی دارد.

بخش‌های کشاورزی: زراعت، باغداری، دامداری.

تنوع آب‌وهوایی در ایران، موقعیت مساعدی را برای تولید انواع محصولات زراعی فراهم کرده است.

از مشکلات تولیدات زراعی در ایران:

- ۱ محدودیت در منابع آب و خاک
- ۲ بهره‌وری کم
- ۳ وجود آفات و خسارات طبیعی
- ۴ نوسانات آب و هوایی
- ۵ بی‌ثباتی در قیمت محصولات.

اختلاف شدید درجه حرارت روزانه و سالانه در نواحی مختلف ایران، سبب ایجاد تنوع فراوان در تولیدات باغی شده است.

ایران برای تولیدات باغی از مزایای زیادی برخوردار است چون امکان کشت انواع میوه‌های سردسیری، نیمه گرمسیری و گرمسیری را دارد. از مهمترین اقلام صادراتی کشور: باغداری.

امروزه با توجه به کم‌آبی، بهتر است محور توسعه کشاورزی از زراعت به توسعه باغداری با روشهای نوین آبیاری و متناسب با محیط تغییر یابد. مزایای روش کشت گلخانه‌ای:

- ۱ کاهش مصرف آب
- ۲ تولید در طول سال و همه جا
- ۳ کنترل بهتر وضعیت کشت

درس چهارم؛ ناهمواریها و اشکال زمین

◀ سنگ کره (لیتوسفر) بخش خارجی زمین است که حالت جامد دارد و از سنگ و خاک تشکیل شده.

◀ سنگ کره شامل قاره‌ها و کف و بستر دریاهاست.

◀ چهار ناهمواری اصلی بر روی زمین:

۱ فلاتها ۲ کوهها ۳ تپه‌ها ۴ دشت‌ها.

◀ فلاتها سرزمین‌های مرتفع و نسبتاً همواری‌اند که در کوهستانها محصور بوده و کناره‌های آنها با شیب تند به نواحی پست متصل می‌شود.

◀ کوه ناهمواری برجسته و مرتفعی که معمولاً دامنه‌های تند و قله برجسته دارد.

◀ کوه‌هایی که به شکل نوار کنار هم قرار دارند، رشته کوه را به وجود می‌آورند.

◀ فرق کوه و فلات: هر دو مرتفع‌اند ولی کوه دارای قله است و هر چه به سمت نوک آن می‌رویم، باریک‌تر می‌شود اما فلات مرتفع و مسطح است.

◀ تپه نسبت به کوه ارتفاع کمتری دارد اما از نواحی پیرامون خود بلندترند.

◀ ارتفاع کوه، تپه و... را نسبت به سطح دریا محاسبه می‌کنند.

◀ دشت‌ها سرزمین‌های پست و همواری‌اند که در میان کوه‌ها یا در

کنار سواحل و یا میان فلات‌ها و کف دره‌ها قرار گرفته‌اند (بیش از یک سوم سطح زمین را پوشانده‌اند و نواحی عمده سکونت و زندگی انسانها را تشکیل می‌دهد)

◀ دو دسته عامل که سبب پیدایش ناهمواری‌ها در سطح زمین می‌شوند:

۱ عوامل درونی ۲ عوامل بیرونی.

◀ نتایج حرکت ورقه‌های زمین طی میلیون‌ها سال، ایجاد چین خوردگی، رشته کوه‌ها، شکست‌ها و پیدایش کوه‌های آتشفشانی است.

◀ عوامل بیرونی تغییردهنده چهره زمین طی زمان:

۱ هوازدگی ۲ فرسایش.

◀ هوازدگی فرآیندی است که طی آن سنگ‌ها خرد و متلاشی و تجزیه می‌شوند.

◀ سرعت هوازدگی سنگ‌ها به عواملی مثل جنس سنگ‌ها، نوع آب‌وهوا و زمان بستگی دارد.

◀ فرسایش و هوازدگی به همراه هم باعث تغییر چهره زمین می‌شود.

◀ به جدا شدن ذرات سنگ و خاک از بستر خود و جابجایی آنها توسط عواملی چون آب و باد فرسایش می‌گویند.

◀ مراحل فرسایش:

۱ حفر (کنده شدن مواد از جای خود)

۲ انتقال

۳ رسوب‌گذاری یا انباشته شدن مواد در مکانهای دیگر است.

◀ عوامل که موجب فرسایش هستند:

۱ آب جاری ۲ یخچال ۳ باد

۴ امواج دریا ۵ انسان.

◀ فعالیت‌های مربوط به تکتونیک صفحه‌ای از طریق ایجاد چین خوردگیها، گسل‌ها، بالا آمدن مواد مذاب، شکلگیری آتشفشان، کوه‌ها را به وجود می‌آورند و سپس هوازدگی و فرسایش به کوه‌ها شکل می‌دهند.

◀ تغییرات دمای شب و روز و یخ بستن آب در شکاف‌ها و درزها، از عوامل مهم هوازدگی در کوهستانهاست.

◀ دو عامل مهم فرسایش در کوهستان:

۱ آب جاری ۲ یخچال.

◀ دره‌های V شکل معمولاً بر اثر جریان آب رودها و فرسایش آبی، شکل می‌گیرند و علت اینکه آن‌ها را با حرف V نامگذاری کرده‌اند این است که، دامنه‌های تنگ و پرشیب دارند؛ البته در طی زمان، دره‌ها به تدریج، عمیقتر و وسیعتر می‌شوند.

◀ یخچال وقتی ضخامتش به ۶۰ تا ۱۰۰ متر رسید شروع به حرکت میکند و این حرکت، بسته به شرایط و دمای هوا از ۱ سانتی متر تا ۸ متر در روز است.

◀ به سنگ‌ها و رسوباتی که یخچال با خود حمل می‌کند مورن یا یخرفت می‌گویند.

◀ دره‌های U شکل بر اثر فرسایش یخچالی طی هزاران سال پدید آمده‌اند.

◀ در کوهستانها، سنگ‌هایی که قابل حل شدن در آب هستند (مثل سنگ آهکی)، آبهای جاری با نفوذ به زیرزمین از طریق درزها و شکافها و حل کردن سنگ‌ها در خود پدیده‌های فرسایشی مثل غارها و چشمه‌های آهکی را پدید می‌آورند که در اصطلاح به آنها اشکال کارستی می‌گویند.

◀ کارست پدیده خوردگی و انحلال سنگهای آهکی است.

◀ در ایران، اشکال کارستی در کوه‌های زاگرس زیاد است.

◀ غار علی‌صدر و کتله‌خور از اشکال فرسایشی کارستی‌اند.

◀ باد عامل مهم فرسایش در مناطق خشک و بیابانی است.

◀ دلایل شدت فرسایش در بیابان:

۱ شرایط آب‌وهوایی خشک ۲ وزش بادهای شدید

۳ وجود خاک نرم ۴ فقر پوشش گیاهی.

◀ اشکال فرسایش در بیابانها، ناشی از دو فرایند کاوشی یا تراکمی است.

◀ اشکال کاوشی حاصل کنده شدن ذرات از یک مکان و انتقال آنها به مکان‌های دیگر است.

◀ انواع اشکال کاوشی:

۱ دشت ریگی (رگ): به سطوح بیابانی که پر از قلوه سنگ است و به آن سنگ فرش بیابانی نیز می‌گویند

۲ چاله‌های بادی: در نواحی دارای ماسه‌های ریز، و به ویژه فاقد پوشش گیاهی، باد ذرات را از محل خود جابه‌جا میکند و به تدریج حفره‌ها یا چاله‌هایی وسیع پدید می‌آورد (اگر در اثر برخورد با آبهای زیرزمینی، رطوبت و چسبندگی در دانه‌ها به وجود آید، فرسایش بادی کند و سپس متوقف می‌شود)

◀ بحران باعث به وجود آمدن شرایطی می‌شود که برطرف کردن آن، نیازمند اقدامات اساسی، فوری و فوق‌العاده است.

◀ **مدیریت مخاطرات**، کلیه اقداماتی است که به کمک آنها بتوان از بروز حوادث ناگوار پیشگیری کرد یا در صورت بروز آن حوادث بتوان آثار آن‌ها را کاهش داد (در سه مرحله انجام می‌شود):

۱ قبل از وقوع ۲ حین وقوع ۳ بعد از وقوع).

◀ **وظیفه سازمان مدیریت بحران**: ایجاد آمادگی برای مقابله با بحران و پیشگیری از آن، مدیریت بحران و رساندن کمک‌های اولیه به آسیب‌دیدگان و سازماندهی و بازسازی مناطق آسیب دیده (وابسته به وزارت کشور).

◀ به‌طور کلی، زمین‌لرزه‌ها غیرقابل پیشبینی‌اند.

◀ **نشانه‌های وقوع زمین‌لرزه**: ۱. کاهش لرزشهای کوچک زمین در راستای گسلها (زمانی که لرزشهای کوچک متوقف می‌شوند امکان تجمع انرژی بیشتر شده و ممکن است این انرژی به یکباره تخلیه شود) ۲. تغییر در آبهای زیر زمینی (پیش از وقوع زلزله، ممکن است در اثر فشار لایه‌ها بر پوسته زمین، سطح آب زیرزمینی بالا یا پایین برود یا ترکیبات شیمیایی آنها تغییر یابد) ۳. بررسی تغییر اندازه فاصله بین شکستگیهای پوسته زمین با وسایل مختلف و **عکسهای هوایی و ماهواره‌ای**

درس ششم؛ مدیریت مخاطرات طبیعی

◀ **مخاطره**: هرگونه عامل محیطی که سلامتی و حیات انسان و موجودات زنده را تهدید میکند و به اموال انسان خسارت وارد میکند.
 ◀ **بحران**: پیشامدی که به‌صورت ناگهانی و گاهی شدید رخ می‌دهد و وضعیتی خطرناک و ناپایدار ایجاد میکند.

■ راهکارهای مدیریت زلزله

	<p>۱ اطلاع‌رسانی زلزله قبل از وقوع با وسایل پیشرفته</p> <p>۲ مقاوم‌سازی ساختمانها (بناهای روستایی بیش از ساختمانهای شهری آسیب می‌بینند؛ زیرا مصالح به‌کاررفته در ساختمانهای روستایی مقاومت کمتری دارند)</p> <p>۳ جلوگیری از ساخت سکونتگاه در اطراف مناطقی که گسل فعال دارند</p> <p>۴ ایجاد مراکز امداد و نجات در مناطق مختلف</p> <p>۵ آموزش همگانی راهکارهای مقابله با زلزله</p> <p>۶ در سطح خانه، مدرسه و محل کار، نقاط امن را شناسایی کنیم، وسایلی که ممکن است با لرزش سقوط کنند را محکم کرده و کیف کمک‌های اولیه را تهیه کنیم.</p>	قبل از وقوع
	<p>۱ حفظ خونسردی خود و پناه‌گیری مناسب</p> <p>۲ بعد از پناه‌گیری، سر خود را با دو دست مواظبت کنیم و محل پناه را تا پایان زلزله ترک نکنیم</p> <p>۳ از آسانسور و پله استفاده نکنیم</p> <p>۴ اگر در خیابان هستیم از ساختمنها و تیرها و... فاصله بگیریم و اگر با خودرو هستیم، آن را در جایی دور از ساختمان‌ها و تیرهای برق متوقف کنیم</p>	زمان وقوع
	<p>(آنچه در اغلب زلزله‌ها سبب خسارت میشود و تلفات را بیشتر میکند مشکلاتی است که پس از زلزله پیش می‌آید)</p> <p>۱ مراقب پس‌لرزه‌ها باشیم</p> <p>۲ برق را قطع کرده و شیر آب و گاز را ببندیم و محل را ترک کنیم</p> <p>۳ تا حد امکان روی آوار حرکت نکنیم (ممکن است افرادی زیر آوار باشند)</p> <p>۴ اسکان موقت زلزله‌زدگان باید با سرعت و دقت انجام شود</p>	بعد از وقوع

■ راهکارهای مدیریت سیل

<p>الف) روشهای سازه‌ای: در این روش پس از اندازه‌گیری شدت جریان آن بر اساس روش های هیدرولوژی، نسبت به هدایت، انحراف یا مهار سیل اقدام میشود مانند</p> <ol style="list-style-type: none"> اصلاح بسترهای رودخانه ایجاد کانالهای انحرافی ایجاد دیواره‌های مهارکننده و پایدارکننده احداث سدهای ذخیره‌ای یا تنظیمی (هدایت و اصلاح شیب آبراهه‌ها) <p>ب) روشهای غیرسازه‌ای: در سالهای اخیر بر روشهای غیر سازه‌ای تاکید بیشتری میشود زیرا در درازمدت مفیدتر و کم‌هزینه‌تراند و تاثیرات نامطلوب کمتری بر محیط زیست دارند:</p> <ol style="list-style-type: none"> اجرای روشهای آبخیزداری و تقویت پوشش گیاهی حوضه و نفوذ دادن آب باران در حوضه‌ها تعیین حریم توسعه برای رودخانه‌ها، تعیین محدوده‌های سیل‌گیر و نقشه‌های سیل‌گیری و پرهیز از ساخت‌وساز در محدوده سیل‌گیر ایجاد پایگاه‌های امدادونجات در مناطق سیل‌خیز نصب دستگاه‌های هشداردهنده سیل در مناطق سیل‌خیز و اطلاع‌رسانی به موقع به مردم 	<p>قبل از وقوع</p>
<p>پس از توقف بارش و فروکش کردن سیل، این اقدامات ضروری است:</p> <ol style="list-style-type: none"> مکان‌یابی برای اسکان موقت و برپا کردن چادرهای امداد و استقرار مراکز درمانی برای رسیدگی به مصدومان مرمت فوری راه‌های ارتباطی برای دریافت خدمات و تجهیزات موردنیاز توزیع امکانات و تجهیزات موردنیاز مصدومان، به ویژه استقرار تانکرهای آب آشامیدنی بهداشتی برای جلوگیری از شیوع بیماریهای عفونی و... 	<p>بعد از وقوع</p>

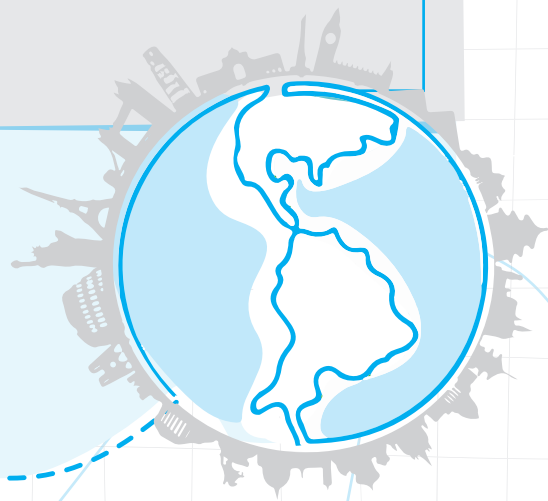
■ راهکارهای مدیریت زمین لغزش

<ol style="list-style-type: none"> پرهیز از ساخت‌وساز در کناره‌های پرشیب رودها و دامنه‌های پرشیب دره‌ها قبل از ساخت‌وساز در سطوح شیب دار مطالعات خاک‌شناسی و پایداری زمین انجام پذیرد و کارهای ایمن‌سازی انجام گیرد 	<p>قبل از وقوع</p>
<ol style="list-style-type: none"> باید به سرعت از مسیر لغزش و گل‌ولای خارج شد. به سازمانهای امدادونجات اطلاع داد و به کسانی که برای ترک محل به کمک نیاز دارند امداد رسانی کرد 	<p>زمان وقوع</p>
<ol style="list-style-type: none"> تعمیر و بازسازی منطقه به ویژه تاسیسات زیربنایی در صورت تخریب شبکه زهکشی سطح توده لغزشی ساماندهی شود به طوری که نفوذپذیری آن کاهش یابد برای پیشگیری از خطرات آتی، استعداد لغزش مجدد ارزیابی شود 	<p>بعد از وقوع</p>

- ▲ دلیل افزایش خسارتهای ناشی از سیلاب: توسعه سکونتگاه‌ها و ساخت‌وسازها در حریم سیل‌گیر رودخانه‌ها است.
- ▲ گستره زمین لغزش ها بسیار کمتر از مخاطراتی مثل زمین‌لرزه است (طول و عرض اغلب توده‌ها، کمتر از یک کیلومتر است) و در نتیجه خسارتهای آن چندان فراگیر نیست.
- ▲ برخلاف بخشهای اقتصادی دیگر مانند صنعت و خدمات، مهمترین عامل تهدید کننده بخش کشاورزی در کشور ما **خشکسالی** است.
- ▲ **راهکارهای مدیریت خشکسالی**
- ① صرفه‌جویی در مصرف آب و پرهیز از مصرف بی‌رویه آبهای سطحی و زیرزمینی موجود
- ② افزایش بهره‌وری آبیاری در کشاورزی و استفاده از روشهای آبیاری تحت فشار
- ③ پرهیز از کشت محصولاتی که به آب زیادی نیاز دارند و کاشت گیاهان مقاوم به خشکی و محصولاتی که به آب کمتری نیازمندند
- ④ جمع‌آوری و ذخیره‌سازی آب باران
- ⑤ تغذیه مصنوعی سفره‌های آب زیرزمینی
- ⑥ مدیریت آبخیزداری، حفاظت از مراتع و پوشش گیاهی و کنترل فرسایش خاک
- ⑦ مدیریت فاضلاب ها و پساب ها و استفاده مجدد از آنها (برخی از راهکارهای گفته‌شده **کوتاه‌مدت** و برخی **بلندمدت** اند)

جامعه‌شناسی

سال دهم
سال یازدهم
سال دوازدهم



◀ **دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها: علوم مبتنی بر عقل و وحی.**

◀ جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان روش علمی، معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق و باطل بودن عقاید و آرمانها سخن بگویند، از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای آنها را بشناسیم و برای داوری درباره درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آنها راهی نداریم.

◀ علوم اجتماعی اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند درباره حق یا باطل بودن واقعیات و آرمانهای جهان‌های اجتماعی داوری کند.

◀ حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی، دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است.

◀ حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنشها براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

◀ جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آنها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را براساس عقاید و ارزش‌ها سامان دهد، آنها را به قلمرو واقعی وارد نمودند.

◀ باطل بودن عقاید و ارزش‌ها با نوع مواجهه جوامع مختلف با آنها دگرگون نمی‌شود و اگر جوامع حقایق را نشناسند و به آن ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدهند، به سوی باطل گام برمیدارند.

◀ حقایق خود ثابت‌اند ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی تغییرپذیرند یعنی برای جهان‌های اجتماعی امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد، همان‌گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد.

◀ جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق و باطل بچرخند اما حق و باطل بر مدار بینش آنها دچار تغییر نمی‌شود.

درس هفتم؛ ارزیابی جهان‌های اجتماعی

◀ **ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند و زمانی که مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به واقعیت تبدیل میشوند.**

◀ **آرمان اجتماعی:** مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان خواهان رسیدن به آنها هستند (تصور اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب).

◀ آرمان جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شود؛ مثلاً آرمان جهان اسلام توحید است.

◀ بسیاری ارزش‌ها را اغلب افراد جامعه رعایت می‌کنند و برخی از آنها را بعضی گروه‌ها یا افراد در عمل رعایت نمی‌کنند.

◀ ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانبداری می‌کنند و رعایت آنها را لازم میدانند اما در عمل ممکن است برخی از آنها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد.

◀ ارزش‌هایی که مردم به آنها عمل می‌کنند قلمرو واقعی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد.

◀ مرز قلمرو واقعی و آرمانی، براساس عمل مردم تغییر می‌کند؛ هر قدر مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمانها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی میشوند اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم میدانند عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمانها فاصله میگیرد.

◀ برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمانها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

◀ واقعیات هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمانهای آن ارزیابی کرد؛ اگر مردمی مطابق آرمانها عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه را کاهش می‌دهند.

◀ هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخشهایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است.

◀ حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود.

◀ علوم تجربی توان داوری درباره تکنیکها و روشهای اجرایی را دارند و حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را با علوم تجربی نمی‌توان شناخت.

درس پنجم: باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب

◀ **حقوق انسان در فرهنگ دینی مبتنی بر فطرت الهی است اما حقوق بشر بر مبنای اندیشه اومانیستی، صرفاً بر اساس خواسته‌ها و عادات آدمیان شکل می‌گیرد.**

◀ اگر در فرهنگ‌های دینی، افرادی هوای نفسانی خود را دنبال کنند، آن را در قالب مفاهیم دینی پنهان می‌کنند.

◀ فرعون از هوای نفسانی پیروی می‌کرد و از دیگران میخواست که او را عبادت کنند و خود را موجودی دنیوی معرفی نمی‌کرد بلکه می‌گفت: أنا ربکم الأعلى ولی انسان مدرن خواسته‌های دنیوی خود را بدون نیاز به توجیه الهی به رسمیت می‌شناسد.

◀ **روشنگری** مهم‌ترین ویژگی معرفت‌شناختی است و راه رسیدن به حقیقت و موانع رسیدن به آن را معرفی می‌کند.

◀ انبیای الهی برای روشنگری و برداشتن موانعی که راه حقیقت را بسته‌اند، آمدند (روشنگری در معنای عام).

◀ در فرهنگ دینی، **عقل، وحی و تجربه** روشهای شناخت حقیقت‌اند.

◀ **روشنگری در معنای عام**، هنگامی که با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دینی همراه باشد با استفاده از وحی، عقل و تجربه، تعبیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهد.

◀ **روشنگری در معنای خاص**، معرفت‌شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب است و روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است.

◀ **وجه اشتراک** تمامی صورت‌های روشنگری در ۴۰۰ سال اخیر **کنار گذاشتن وحی و شهود** در شناخت حقیقت است.

◀ روشنگری در سده ۱۷ و ۱۸ رویکرد **عقل‌گرایانه** داشت (روشنگری با رویکرد دنیوی اگر با شناخت عقلی همراه باشد، به دلیل اینکه وحی را نمی‌پذیرد به **دئیسم** منجر می‌شود).

◀ **دئیسم** یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامه‌ای برای سعادت بشر ندارد.

◀ روشنگری در سده ۱۹ و ۲۰ صورت **حسی** پیدا می‌کند و در این دوره، نوعی علم تجربی سکولار پدید آمد.

◀ **علم تجربی سکولار**، توان داوری درباره ارزش‌ها و آرمانهای را انسانی ندارد (به دلیل حسی نبودن آنها) و تنها به صورت **دانش ابزاری** در خدمت اهداف دنیوی انسانی قرار می‌گیرد.

◀ از پایان قرن ۲۰ با افول تجربه‌گرایی فرهنگ غرب دچار بحران معرفت‌شناختی شد.

◀ در بحران معرفت‌شناختی امکان تشخیص درست یا غلط بودن باورها و اندیشه‌ها از بشر سلب می‌شود.

◀ **سکولاریسم**، پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش‌های هستی‌شناسانه‌ی بشر است.

◀ سکولاریسم به معنای **رویکرد دنیوی** و صرفاً این جهانی، به هستی است.

◀ سکولاریسم همه ظرفیتهای انسان را متوجه آرمانها و اهداف دنیوی می‌داند.

◀ در این رویکرد، ابعاد معنوی یا به طور کامل فراموش می‌شوند و یا به طور گزینشی در خدمت اهداف دنیوی به کار گرفته می‌شوند.

◀ **انواع سکولاریسم:**

۱ **آشکار:** به صراحت ابعاد غیرمادی هستی را انکار می‌کند

۲ **پنهان:** ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کند بلکه بخشهایی از آن را در خدمت نظام دنیوی و این جهانی قرار می‌دهد.

◀ رویکرد گزینشی به ابعاد معنوی سبب پیدایش نهضت‌هایی مثل **پروتستانیسم** شده.

◀ در فرهنگ معنوی، آبادی دنیا وسیله‌ای است که در خدمت اهداف معنوی قرار می‌گیرد.

◀ اگر افرادی که در فرهنگ دینی زندگی می‌کنند، دنیا را هدف برتر خود قرار داده باشند، از آشکار کردن آن پرهیز می‌کنند و رفتار خود را توجیه دینی می‌کنند اما در جهان غرب، سکولاریسم به صورت

جهان‌بینی غالب درآمده و دین‌داران ناگزیر رفتار دینی خود را با تفاسیر دنیوی توجیه کنند.

◀ مهم‌ترین ویژگی انسان‌شناختی فرهنگ غرب: **اومانیسم**.

◀ اومانیسم یعنی **اصالت انسان دنیوی و این جهانی** و از نتایج منطقی سکولاریسم است.

◀ **بر اساس قرآن**، کرامت انسانی هنگامی تحقق پیدا می‌کند که انسان به ابعاد دنیوی و این جهانی خود محدود نشود و به خدا

نزدیک شود.

◀ محدود شدن انسان به ابعاد دنیوی، او را به گمراهی گرفتار می‌کند و حیاتی حیوانی یا پست‌تر از آن خواهد داشت.

◀ در فرهنگ غیرتوحیدی، انسان مستقلاً اراده تصرف در دیگر موجودات را دارد.

◀ اومانیسم بر بخشهای مختلف فرهنگ غرب نظیر هنر، ادبیات و حقوق بروز یافته است.

◀ **هنر قرون وسطی** بر ابعاد معنوی و آسمانی انسان تأکید داشت اما **هنر مدرن**، بر ابعاد بدنی و زیبایی جسمانی تأکید می‌کند.

دوره زمانی	ویژگی	پیامد
قرون ۱۷ و ۱۸	عقل‌گرایی، نفی وحی	دئیسم
قرون ۱۹ و ۲۰	حس‌گرایی، نفی عقل دانش ابزاری و وحی	دانش ابزاری
پایان قرن ۲۰	افول تجربه‌گرایی، نفی بحران معرفتی تجربه، نفی عقل و وحی	بحران معرفتی

درس هشتم؛ سیاست هویت

◀ شناخت متقابل هویتها یا الگوی تعارف، مقابل دو الگوی همانندسازی و تکثرگرا قرار می‌گیرد و به شناخت متقابل افراد و جوامع توجه دارد. شناخت متقابل افراد و جوامع به آن‌ها کمک می‌کند که تفاوتها را یکدیگر را درک کنند و به این تفاوتها احترام بگذارند و علاوه بر این، اشتراکاتی ایجاد می‌کند که به بهتر شدن روابط می‌انجامد.

◀ تعارف به معنای شناخت متقابل است و الگوی تعارف در مقابل الگوی تنازع قرار دارد و همان الگویی است که قرآن ارائه می‌کند.

◀ الگوی مطلوب قرآنی تنوع و تکثرزبانی، نژادی و... را مانع وحدت نمیداند.

◀ رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سه و چهار هجری نیز به دلیل پیروی از این الگو و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند.

◀ جامعه‌شناسی انتقادی ریشه در رویکرد تفسیری دارد و نمی‌خواهد داوری ارزشی، بیرون از دایره علم صورت گیرد، زیرا در آن صورت سرنوشت ارزشها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود و همواره ارزشهای غالب در زندگی اجتماعی، ارزشهای ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود و این رویکرد می‌خواهد ظرفیت افشاکاری و رها بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد.

◀ از درون رویکرد تفسیری، جریان دیگری شکل می‌گیرد که چنین کارکردی را برای علوم اجتماعی ناممکن می‌شمارد و راه‌هایی انسان را نه از درون علم، که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند.

◀ اسم داشتن از هویت داشتن و انسان بودن حکایت می‌کند.

◀ هر نظریه‌ای درون فرهنگ و تاریخ خود تولید می‌شود و هر فرهنگ و هویتی می‌تواند نظریه‌های متناسب با خود را تولید کند. از این رو هیچ فرهنگ و هویتی نمی‌پسندد که موضوع نظریه‌هایی باشد که در زمینه فرهنگی و تاریخی دیگر شکل گرفته‌اند.

◀ با ظهور جهان متجدد، دولتهایی شکل گرفتند که هویت خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف میکردند و تاکید بر این عوامل، به پیدایش نوعی از هویت منجر شد که مشخصه آن ملی‌گرایی و وطن‌دوستی بود؛ در این کشورها دولتها برای تعیین هویت ملی و چگونگی توزیع مزایا و فرصتها، ناگزیر از سیاست‌گذاری هویتی بودند که مدل رایج آن در دوران مدرن، همانندسازی بود.

◀ همانندسازی به معنای پذیرش ارزشها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه است؛ به گونه‌ای که همه گروه‌ها همسان شوند ← همانندسازی سیاستی بود که دولتها برای از بین بردن تفاوتهای هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آنها در پیش گرفتند.

◀ در دوره پسامدرن همه آنچه که از دوره مدرن آمده بود، مورد نقد قرار گرفت.

◀ در پسامدرن توجه به هویت‌های خرد، محلی و فردی جایگزین همانندسازی شد.

◀ در پسامدرن، تکثر، تنوع و حتی بی‌ثباتی و تغییرات مداوم هویتها، مطلوب دانسته شده و هویت ملی و وحدت و ثبات و استمرار همراه آن نامطلوب پنداشته شد.

◀ سیاست هویت محصول پسامدرن است و بر تفاوتها و هویت‌های خاص و محلی تأکید می‌کند.

◀ برخی از سیاست هویت به جعبه پاندورا یاد می‌کنند (جعبه پاندورا در اساطیر یونانی حاوی تمام بلاهاست).

◀ در اواخر قرن بیستم هویت به جای قشربندی محور اصلی مباحث فکری و سیاسی شد.

◀ در دوره پسامدرن هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آن‌ها تعریف می‌شود.

◀ امروزه جهانی شدن و توسعه ارتباطات از سویی شکلگیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است که در آن درهم‌آمیخته شدن فرهنگها، آنها را از خالصی و ثبات درآورده است و از سوی دیگر، بسیاری از فرهنگها به دفاع از خود برخاسته‌اند و با ساختن هویت خاص و یا بازگشت به هویت واقعی خود، در برابر هویتی که فرآیند جهانی شدن تحمیل می‌کند، مقاومت می‌کنند ← در این شرایط، مدل تکثرگرا به جای مدل همانندسازی مورد توجه قرار گرفت.

◀ مدل تکثرگرا تفاوت‌های موجود میان اقوام و فرهنگها را حفظ و حتی شدیدتر می‌کند؛ البته در این الگو، همچنان یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی ضروری دانسته می‌شود که گروه‌های مختلف را به هم پیوند دهد.

◀ انواع سیاست هویت:

- ۱ به صورت افراطی بر تفاوتها تأکید می‌کند و سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود
- ۲ گروه‌های به حاشیه رانده شده را به رسمیت می‌شناسد و از آنها حمایت می‌کند.

علوم و فنون ادبی

سال دهم
سال یازدهم
سال دوازدهم



۵ دوره مشروطه

۶ دوره معاصر ← این تقسیم‌بندی بر مبنای حوزه جغرافیایی و تاریخی است.

◀ بر بنیاد تقسیم‌بندی بهار و توجه به دوره‌های تاریخی، نثر فارسی در شش رده تقسیم‌بندی می‌شود:

۱ دوره سامانی

۲ دوره غزنوی و سلجوقی اول

۳ دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثر فنی

۴ دوره سبک عراقی، نثر مصنوع

۵ دوره بازگشت ادبی

۶ دوره‌ی ساده‌نویسی.

◀ مکتب‌ها و سبک‌های ادبی معمولاً محصول اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... زمانه‌ای است که صاحبان آن مکاتب و سبک‌ها در آن می‌زیسته‌اند.

◀ **سبک شناسی دوره اول:**

◀ نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در سیستان و

سپس در **خراسان بزرگ** پدید آمد؛ به سبک این آثار **سبک خراسانی** گفته‌اند و به علت آنکه اوج آن در زمان سامانیان بوده، آن را **سبک سامانی** هم نامیده‌اند.

◀ سبک خراسانی بر حسب زمان به سه سبک فرعی **سامانی، غزنوی و سلجوقی** تقسیم می‌شود.

◀ سبک دوره سلجوقی را باید **بینابین** نامید؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی در آن دیده می‌شود.

◀ از شعرای معروف سبک خراسانی می‌توان به رودکی، فردوسی، ناصر خسرو و... اشاره کرد.

درس هفتم؛ سبک و شناسی (سبک خراسانی)

◀ **سبک** در اصطلاح ادبی، شیوه خاص اثر یا آثار ادبی است و به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر در **نحوه بیان اندیشه** به کار می‌گیرد، **سبک شعری** می‌گویند.

◀ شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر، **سبک شخصی** اوست و از این دید، به تعداد شعرا و نویسندگان جهان، **سبک** وجود دارد زیرا اطلاعات، دانش، ذوق و استعداد های افراد **متفاوت** است؛ اما در عین تفاوت، **شبهاتی** در **نحوه بیان** وجود دارد که آنان را در **یک دسته** جای می‌دهد.

◀ بر اساس **نظریه ارسطو**، طبقه‌بندی زیر را برای شعر این دوره می‌توان در نظر گرفت: بر اساس:

۱ نام شاعر یا نویسنده (سبک فردوسی)

۲ زمان و دوره اثر (سبک دوره غزنوی)

۳ موضوع و نوع (سبک عرفانی، حماسی)

۴ محیط جغرافیایی (سبک آذربایجانی، خراسانی)

۵ به تناسب مخاطب (سبک عامیانه، عالمانه)

۶ هدف (سبک تعلیمی، فکاهی)

۷ قلمرو دانش (علمی، فلسفی).

◀ **محمد تقی بهار** برای شعر فارسی، شش نوع سبک و دوره قائل است:

۱ خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ۶)

۲ سبک عراقی (قرن ۶ تا ۱۰)

۳ سبک هندی (قرن ۱۰ تا ۱۳)

۴ دوره بازگشت (در تمام طول قرن ۱۳)

ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو

زبانی	۱ سادگی زبان شعر
	۲ کمی لغات عربی و لغات بیگانه
	۳ تفاوت تلفظ برخی کلمات در مقایسه با امروز
	۴ کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات
	۵ استفاده از دو نشانه برای یک مضم.
ادبی	۱ قالب عمده شعر این دوره، قصیده است؛ قالبهای مسمط، ترجیع‌بند و مشنوی نیز به تدریج در این دوره شکل می‌گیرد و قالب غزل در اواخر این دوره رشد می‌کند
	۲ استفاده از آرایه ادبی معتدل است
	۳ قافیه و ردیف بسیار ساده است
	۴ در توصیف پدیده‌ها بیشتر از تشبیه بهره گرفته شده است.
فکری	۱ روح شادی و نشاط در شعر غلبه دارد
	۲ شعر واقع‌گرا و توصیفات ساده و عینی و محسوس است
	۳ معشوق عمدتاً زمینی است
	۴ بیشتر روح حماسه حاکم است
	۵ اشعار پندآموز این دوره ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد
	۶ مضمون عمده اشعار حماسه، مدح و اندرز است
	۷ سادگی فکر و کلام.

ویژگی‌های نثر دوره اول

سامانی	۱ ایجاز و اختصار در لفظ و معنا
	۲ تکرار اسم یا فعل به حکم ضرورت معنی
	۳ کوتاهی جملات
	۴ لغات کم‌کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد
	۵ بهره‌گیری کمتر از لغات عربی
	۶ افزایش یافتن کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی.
غزنوی و سلجوقی	◀ محتوای نثر این دوره، علمی است و گاهی حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود.
	◀ از نمونه‌های موفق این نثر، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم، شاهنامه ابومنصوری
	۱ اطناب (جملات معمولاً طولانی هستند)
	۲ تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار
	۳ حذف افعال به قرینه
۴ افزایش کاربرد لغات عربی.	
◀ نمونه‌های این نثر: تاریخ بیهقی، قابوسنامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب	

استعاره آشکار (مصرحه) و اگر مشبه به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبه به بیاید، استعاره پنهان (مکنیه) می‌گویند.

◀ گاه در استعاره، مشبه موجودی بی‌جان و غیرانسان و مشبه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش جان‌بخشی یا تشخیص در کلام می‌شود.

◀ اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را انسان پنداشته و به او ویژگی انسانی داده‌ایم.

◀ گاهی مشبه به حذف می‌شود و یک ویژگی از آن به مشبه اضافه می‌شود و به صورت ترکیب اضافی در می‌آید که به آن اضافه استعاری می‌گوییم.

درس نهم؛ استعاره

◀ گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه بین معنای حقیقی و غیر حقیقی علاقه مشابهت است؛ این نوع مجاز را استعاره می‌گوییم.

◀ استعاره یعنی عاریت و وام‌گرفتن و در اصطلاح ادبی استعاره، کاربرد واژه‌های به جای واژه‌های دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است (اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است).

◀ اگر از چهار رکن تشبیه، مشبه یا مشبه به باقی بماند آرایه تشبیه داریم اما اگر از دو رکن تشبیه، فقط مشبه به باقی بماند به آن

درس پنجم: اختیارات شاعری زبانی

◀ موارد بلند تلفظ کردن مصوت‌های کوتاه: گاهی شاعر بنا به ضرورت

۱ کسره اضافه

۲ «ئ» (ضمّه) و و عطف یا ربط

۳ مصوت کوتاه پایان کلمه را بلند حساب می‌کند.

◀ کوتاه تلفظ کردن مصوت‌های بلند: کلماتی که به /و/، /ا/، /ی/ ختم

می‌شود اگر بعد از آن مصوت‌ها، مصوتی بیاید، شاعر اختیار دارد که

مصوت‌های بلند /و/، /ا/، /ی/ را کوتاه تلفظ کند (ضمناً میان دو مصوت،

صامت «ی» قرار می‌گیرد که آنرا «ی» میانجی می‌نامند) مثلاً: در دام

فتاده آهویی چند / محکم شده دست و پای در بند ← هجای هشتم

مصراع اول بیت بلند و هجای معادلش در مصراع دوم کوتاه است که

هجای کوتاه مصراع دوم را نمی‌توان بلند تلفظ کرد؛ اما هجای بلند مصراع

اول را کوتاه تلفظ می‌کنیم تا با معادل خود در مصراع بعد همسان گردد.

◀ دو نکته:

۱ مصوت بلند /و/ در کلمات تک‌هجایی بو، رو، جو، مو... هیچگاه کوتاه

نمی‌شود؛ فقط کلمه سو در صورت اضافه شدن ممکن است کوتاه شود

۲ مصوت بلند /ی/ در کلماتی مانند: بیا، گیاه، عامیانه، زیاد،

سیاست و واژه‌هایی از این قبیل، همواره کوتاه است؛ مثل: بیا تا قدر

یکدیگر بدانیم / که تا ناگه ز یکدیگر نمائیم (یعنی اختیار نیست).

◀ هماهنگی موسیقایی مصراع‌ها بیانگر نظام و انسجام بافت آهنگین

و همگونی چنین نشانه‌های آوایی است ولی گاهی این تناسب آوایی

و یکسانی و هم‌نوایی، دستخوش ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌هایی

می‌شود؛ شاعران برای اینکه این ناهماهنگی را به همواری تبدیل

کنند و از ناهمواری‌های ایجاد شده برهند، از قابلیت‌هایی بهره

می‌برند که به آن اختیارات شاعری می‌گویند.

◀ اختیارات به دو نوع زبانی و وزنی تقسیم می‌شوند.

◀ اختیارات زبانی: اختیاراتی که شاعر با نحوه بیان و شیوه تلفظ خود

اعمال می‌کند؛ این اختیارات دو نوع است:

۱ حذف همزه

۲ تغییر کمیت مصوت‌ها.

◀ حذف همزه: اگر پیش از همزه آغاز هجا، صامتی بیاید (همزه، بین یک

صامت و یک مصوت قرار گیرد) می‌توان آن را حذف کرد؛ مثلاً در «سعدی

نظر از رویت...» چنین خوانده می‌شود «سَع دِی نَ ظَ رَز رو یَت...».

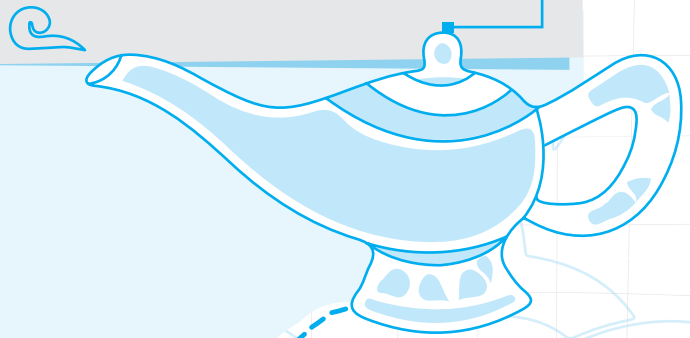
◀ تغییر کمیت مصوت‌ها: شاعر در مواردی خاص مختار است که به

ضرورت وزن شعر، مصوت کوتاه را بلند یا بلند را کوتاه کند.

امکان حذف همزه	اگر قبل از همزه آغاز هجا، حرف صامتی بیاید همزه را می‌توان حذف کرد.
تغییر کمیت مصوت‌ها	۱ مصوت کوتاه پایان کلمه را می‌توان بلند تلفظ کرد.
	۲ اگر در پایان کلمه‌ای کسره اضافه باشد آن کسره را می‌توان بلند تلفظ کرد.
	۳ ضمه و «و» عطف در پایان کلمه را می‌توان بلند تلفظ کرد.
کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند	اگر پس از کلمات مختوم به «و، ی» مصوتی بیاید شاعر می‌تواند مصوت‌های بلند «و، ی» را کوتاه تلفظ کند: آرزویی (_ U U _)

عربی

سال دهم
سال یازدهم
سال دوازدهم



درس هفتم؛ فعل مجهول

◀ به جملاتی که فاعل (انجام دهنده کار در آن‌ها) حذف شده و اثری از فاعل در آنها نیست، جملات مجهول میگویند.

◀ فرمول جملات مجهول: فعل مجهول + نائب فاعل +

◀ نائب فاعل در جملات دارای فعل مجهول آورده می‌شود و دیگر فاعل نداریم.

◀ طریقه و ساختار مجهول در افعال ماضی: به عین‌الفعل علامت کسره می‌دهیم و به حروف غیر ساکن قبل از عین‌الفعل علامت ضمه می‌دهیم. کَتَبَ ← كُتِبَ / اِسْتَحَدَمَ ← اُسْتُحِدِمُ.

◀ ساختار مجهول در افعال مضارع: به عین‌الفعل، فتحه می‌دهیم و به حرف اول از حروف مضارع آن علامت ضمه می‌دهیم. يَكْتُبُ ← يُكْتُبُ / يَسْتَحِدِمُ ← يُسْتَحِدِمُ.

◀ به طور کلی ماضی و مضارع دارد.

◀ فقط افعال متعدی امکان مجهول شدن دارند و افعال لازم، ناقصه، امر و نهی مخاطب، فعلهای باب انفعال و اغلب فعلهای باب تفاعل و فعلهایی بر وزن فَعَلَ (كُتِرَ) مجهول نمیشوند چون مفعول ندارند.

◀ برای تشخیص جملات مجهول و معلوم یا اعراب داریم و یا اعراب را به طور کامل نداریم در صورتی که اعراب داشته باشیم، در افعال ماضی

همین که علامت ابتدای فعل ضمه باشد کافی است و متوجه میشویم که فعل مجهول است. به این امر دقت کنید که حرف ضمه در ابتدای فعل فقط در ماضی نشانه مجهول بودن است و در افعال مضارع باید

علامت عین‌الفعل را نیز بررسی کنید تا متوجه شوید معلوم است یا مجهول. به عبارتی در افعال مضارع به هیچ عنوان تنها با داشتن حرکت حرف اول نمیتوان تشخیص داد که فعل معلوم است یا مجهول.

◀ در صورتی که در افعال مضارع حرف اول ضمه و عین‌الفعل فتحه داشت فعل مجهول است.

◀ در صورت نداشتن اعراب و یا داشتن اعراب به صورت ناکامل باید

به این نکات توجه نمود: از فعل سؤال چه چیزی را و چه کسی را بپرسید اگر معنا نداشته باشد و نتوان به این سؤال پاسخ داد فعل لازم است و چون افعال لازم مجهول نمی‌شوند بنابراین فعل معلوم بوده است همچنین اگر در جمله مفعول یافتید آن فعل قطعاً معلوم است.

◀ هر فعل ماضی یا مضارع که حرف اول آن فتحه داشته باشد، قطعاً معلوم است.

نکته اگر برای یافتن فعل مجهول از ترجمه استفاده می‌کنید هر فعلی که در ترجمه‌اش «شد» داشت را مجهول نگیرید؛ زیرا برخی افعال در ترجمه‌شان «شد» دارند ولی مجهول نیستند مثل سَكَّتْ: ساکت شد.

◀ فعلهای مضارع در سه باب (افعال - تفعیل - مفاعله) حرکت اول آن ضمه میباشد و نباید با فعل مضارع مجهول اشتباه شوند.

◀ نائب فاعل میتواند اسم ظاهر یا ضمیر متصل مرفوعی یا ضمیر مستتر باشد.

◀ اگر مفعول ضمیر متصل باشد هنگام مجهول شدن باید آن ضمیر متصل منصوبی را به ضمیر متصل مرفوعی تبدیل کرد چون هر نائب فاعلی مرفوع هست: نَصَرَکُمْ اللهُ بِبَدْرِ ← نَصِرْتُمْ بِبَدْرِ

عربی سال یازدهم



درس اول؛ اسم تفضیل و مکان

- ◀ **اسم تفضیل**، برتری کسی یا چیزی را بر کسی یا چیز دیگر می‌رساند و برای مقایسه استفاده می‌شود و در فارسی معادل **صفت برتر** و **صفت عالی** (مانند: زیباترین) است.
- ◀ اسم تفضیل برای جنس مذکر بر وزن **أفعل** (مانند احسن، اکبر) و برای مؤنث بر وزن **فعلی** (مانند حسنی، کبری) است.
- ◀ اسم تفضیل + **من** معنای «تر» دارد (مانند أكبر من: بزرگتر از).
- ◀ اسم تفضیل + **مضاف الیه** معنای «ترین» دارد (مانند أكبر سوره: بزرگترین سوره).
- ◀ اسم تفضیل مؤنث را فقط در حالتی که **صفت** باشد در عبارات استفاده می‌کنیم پس برای مقایسه دو اسم مؤنث معمولاً اسم تفضیل بر وزن **"أفعل"** به کار می‌رود ← فاطمه **أفضل من** زینب.
- ◀ اگر واژه بر وزن **أفعل** باشد اما بر **رنگ** و **یا عیب** دلالت کند، اسم تفضیل نیست؛ مانند **ابکم: لال / احمر: قرمز**.
- ◀ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن **أفعل** است. مثال: **أفضل** ← **أفاضل**. اما همه اسم‌های که بر وزن افعال هستند اسم تفضیل نیستند چرا که مفرد آنها بر اسم تفضیل دلالت ندارد؛ مانند **اماکن** که مفردش **مکان** است.
- ◀ **خیر و شر** اسم تفضیل هستند در صورتیکه:
 - ۱) معنی **بهتر و بدتر** بدهند؛ مثلاً **پس از آنها حرف جر می** بیاید؛ مانند: **تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً** (تفضیلی است)
 - ۲) معنی **بهترین و بدترین** بدهند؛ مثلاً پس از آنها مضاف الیه بیاید (اسم تفضیل نیستند در صورتیکه: معنی خوب و خوبی و بد و بدی بدهند؛ مثلاً **ال** بگیرند) مانند: **الْخَيْرُ مَا تَعْمَلُهُ فِي سَبِيلِ رِضَا اللَّهِ** (تفضیلی نیست؛ چون خیر ال گرفته است).
- ◀ ممکن است اسم تفضیل از لحاظ ظاهری با کلمات زیر اشتباه شود.
 - الف** ماضی باب افعال صیغه مفرد مذکر غایب
 - ب** فعل مضارع متکلم وحده ثلاثی
 - ج** اسلوب تعجب
 - د** واژه‌های **أربع، أذنب** و اسم **عَلَم** احمد.
- ◀ دقت کنید واژه آخر اسم تفضیل نیست بلکه اسم فاعل است اما واژه **آخر (دیگر)** اسم تفضیل است.
- ◀ اسم مکان بر مکان وقوع فعل دلالت دارد و وزنه‌های اصلی آن **مَفْعَل (مکتب)، مَفْعِل (منزل)، مفعله (مکتبه)** هستند. جمع اسم مکان بر وزن **مفاعل** (مدارس، مزارع، منازل و ملاعب و...) می‌آید.
- ◀ سایر وزنه‌های اسم مکان عبارتند از: **مقال: مطار / مفعی: مأوی، مرمی / مقل: مقر، مطب.**
- ◀ اگر وزن اسم مکان در معنای مکان دلالت نکند، اسم مکان نیست مثل **مطلب**.
- ◀ اسم‌هایی که معنای مکان دارند ولی با وزنه‌های اسم مکان مطابقت ندارند اسم مکان نیستند. مثلاً **فندق** به معنای هتل، بیت به معنای خانه.
- ◀ وزنه‌های اسم مکان با **حرف (م)** شروع میشوند.

عربی سال دوازدهم



درس اول؛ حروف مشبیه بالفعل

◀ اگر بعد از لعل فعل مضارع بکار رود آن را بصورت مضارع التزامی ترجمه می کنیم : لعل التلميذ ينجح في الامتحان: امید است دانش آموز در امتحان پیروز بشود.

◀ إِنَّ و أَنَّ بر سر جملات اسمیه را با «إِن از ادات شرط به معنای اگر» و یا با «أَنْ ناصبه که بر سر فعل مضارع می آید و معنای تا می دهد» اشتباه نگیرید.

◀ **لای نفی جنس:** فقط بر سر جمله اسمیه می آید و مبتدای جمله را به عنوان اسم لای نفی جنس منصوب میکند و در اعراب خبر تغییری ایجاد نمی کند. لای نفی جنس به صورت هیچ ... نیست ترجمه میشود. **اسم لای نفی جنس حتماً فتحه َ دارد و تنوین نمیگیرد و معمولاً بدون ال است.**

◀ خبر لای نفی جنس در صورتی که اسم ظاهر (آشکار) باشد مرفوع است. البته خبر لای نفی جنس به صورت جار و مجرور نیز می آید و گاهاً خبر آن حذف میشود.

◀ یادآوری انواع لا به جز لای نفی جنس:

① لای نفی مضارع: بر سر فعل مضارع می آید و معنایش را نفی می کند (لایذهب: نمی رود)

② لای نهی: بر سر فعل مضارع قرار می گیرد و در صیغه های اول و سوم شخص، معنای نباید میدهد (لایذهب: نباید بروی، لاتذهب: نرو)

③ لا در پاسخ به هل و أ ← در پاسخ به استفهام هل و یا أ به کار می رود و معنای «نه» می دهد.

◀ حروف «إِنَّ: قطعاً، همانا، بی گمان»، «أَنَّ: که»، «كَأَنَّ: گویی، مانند»، «لَكِنَّ: ولی، اما»، «لَيْت: کاش»، «لَعَل: شاید، امید است که، باشد که» حروف مشبیه بالفعل نامیده میشوند که فقط همراه جمله اسمیه می آیند؛ یعنی با فعل همراه نمیشود. این حروف مبتدای جمله اسمیه (اسم حروف مشبیه) را منصوب میکنند و در اعراب خبر تغییری ایجاد نمیکنند پس وقتی بر سر مبتدا و خبر بیایند دیگر مبتدا و خبر نداریم بلکه اسم و خبر حروف مشبیه بالفعل داریم. **تمام حروف مشبیه بالفعل روی حرف آخرشان تشدید دارند به جز لیت.**

◀ إِنَّ: در ابتدای جمله می آید و بر تمام جمله پس از خود تاکید میکند. إِنَّ یک تکیه کلام عربی است و گاهاً در جمله معنا نمی شود که دلیل بر نادرست بودن جمله نیست. معنای آن «همانا، قطعاً، بی گمان» است.

◀ أَنَّ: معمولاً در وسط جمله می آید و دو جمله را به هم پیوند و ربط می دهد. به عبارتی جهت ارتباط و اتصال دو جمله به کار می رود و معنای «که» می دهد.

◀ ل + أَنَّ ← به معنای زیرا و برای اینکه است.

◀ كَأَنَّ: معمولاً برای تشبیه و بیان همانندی استفاده می شود و معنای «گویی، مانند» میدهد.

◀ كَأَنَّ مثل حرف جر «كَ» بیانگر تشبیه است.

◀ كَأَنَّ را با كَأَنْ از افعال ناقصه اشتباه نگیرید.

◀ لَكِنَّ در میان دو جمله برای بیان توضیح بیشتر و کاملتر و رفع ابهام از جمله اول به کار میرود و معنا «ولی، اما» می دهد.

◀ لَكِنَّ را با لکن که آخر آن ساکن است و تنها یک حرف عطف است اشتباه نگیرید.

◀ لیت: برای بیان آرزوی محال و دور و تمنا به کار می رود و آرزوهایی را بیان می کند که امکان وقوع ندارند، معنای آن کاش است.

◀ اگر بعد از (لیت) فعل ماضی بیاید میتوان آن را به صورت ماضی استمراری یا ماضی بعید یا مضارع التزامی آن را ترجمه کرد: لیت تلميذ نجح في الامتحان: کاش دانش آموز در امتحان موفق میشد (یا موفق شده بود یا موفق بشود).

◀ اگر بعد از لیت فعل مضارع به کار رود آن را بصورت مضارع التزامی ترجمه میکنیم: یا لیت قومی يعلمون ... : ای کاش قوم من بدانند ...

◀ لعل: معنی «شاید، امید است که» می دهد و برای بیان امیدواری به کار می رود.

ریاضی

سال دهم
سال یازدهم
سال دوازدهم



مبحث پنجم: شمارش و احتمال

■ مبحث شمارش

◀ اصل جمع: اگر بتوان عملی را به m طریق و عمل دیگری را به n طریق انجام داد و این دو عمل را نتوان با هم انجام داد، در این صورت، به $(m+n)$ طریق میتوان عمل اول «یا» عمل دوم را انجام داد. (اصل جمع به بیش از دو عمل نیز قابل تعمیم است).

◀ اصل ضرب: اگر عملی طی دو مرحله اول و دوم انجام پذیرد، به طوری که در مرحله اول به m طریق «و» در مرحله دوم هر کدام از این m طریق به n روش انجام پذیر باشد، در کل آن عمل به $(m \times n)$ طریق انجام پذیر است. (قابل تعمیم به بیش از دو عمل)

◀ اگر اجبار به انجام یک کار بود ← ضرب و اگر اختیار در انجام یک کار بود ← جمع

◀ فاکتوریل: ضرب یک عدد طبیعی بزرگتر از یک در تمام اعداد طبیعی کوچکتر از خودش؛ نماد: $n!$

$$n! = n \times (n-1) \times (n-2) \times \dots \times 3 \times 2 \times 1$$

$$0! = 1! = 1$$

◀ طبق قرارداد:

◀ فاکتوریل‌های روبه‌رو را به خاطر بسپارید:

$$2! = 2 \quad 3! = 6 \quad 4! = 24 \quad 5! = 120 \quad 6! = 720$$

◀ جایگشت: هر حالت از کنار هم قرار گرفتن n شیء را یک جایگشت $n!$ تایی از آن n شیء مینامیم.

$n!$ = جایگشت n شیء متمایز

■ چند نکته

1 عدد صفر هیچ گاه نمیتواند در بارزترین جایگاه هر عدد (رقم سمت چپ) قرار گیرد ← البته به شرطی که مبنا، ساخت عدد باشد، مثلاً اگر بخواهیم رمز بسازیم وجود صفر در سمت چپ ایرادی ندارد

2 بهتر است اعداد بخشیدنی بر ۲، ۳، ۵ و ۶ را بلد باشید:

◀ اصل متمم: وقتی تعداد حالات زیاد باشد، بهتر است به جای شمارش مستقیم حالت‌های مطلوب، حالات نامطلوب را از کل حالات کم کنیم:

$$n(A) = n(u) - n(A')$$

نکته هرگاه در تست از واژه‌های «حداقل»، «حداکثر»، «بزرگتر» و «کوچکتر» استفاده شده بود، احتمالاً سؤال با اصل متمم حل میشود، اما باز تعداد حالات ممکن را بررسی میکنیم تا ببینیم کدام راه کوتاهتر و سریعتر است.

◀ بسته‌بندی: برای حل این گونه سؤالات که حروف، اشیاء، انسانها و ... خاصی باید کنار هم قرار گیرند، حروف موردنظر را به صورت یک بسته در نظر میگیریم

◀ اگر درون بسته‌ها اشیاء متمایز باشند آنگاه جایگشت درون بسته هم محاسبه میشود!

◀ جایگشت‌ها یک در میان: دو دسته اشیاء متمایز را میخواهیم به صورت یک در میان در یک ردیف بچینیم، این کار فقط در صورتی امکان پذیر است که تعداد اشیاء دو دسته حداکثر یک عضو با هم اختلاف داشته باشند.

◀ دو حالت داریم:

1 تعداد جایگشتهای یک در میان n شیء از دسته اول و n شیء از دسته دوم برابر $n! \times n! \times 2$ است

2 تعداد جایگشتهای یک در میان n شیء متمایز از رابطه $(n-1)!$ به دست می‌آید.

◀ جایگشتهای بانکرار: همانطور که میدانید جایگشت n شیء متمایز برابر $n!$ است. اگر یک شیء k بار تکرار شده باشد، باید این تعداد را بر $k!$ تقسیم کنیم. (چون با جایگشت تکراری، جایگشت جدیدی به دست نمی‌آید).

◀ ترتیب: تعداد جایگشتهای r شیء از n شیء متمایز را با نماد $P(n,r)$ نمایش میدهیم:

$$P(n,r) = \frac{n!}{(n-r)!} \quad (n \geq r)$$

◀ ترکیب: تعداد راه‌های انتخاب r شیء از n شیء متمایز را ترکیب r شیء از n شیء میگوییم و از رابطه زیر استفاده میکنیم:

$$C(n,r) = C_r^n = \frac{n!}{r!(n-r)!}$$

$$\binom{n}{0} = \binom{n}{n} = 1 \quad \binom{n}{1} = n$$

$$\binom{n}{2} = \binom{n}{n-2} = \frac{n(n-1)}{2} \quad \binom{n}{3} = \frac{n(n-1)(n-2)}{6}$$

$$\binom{n}{r} = \binom{n}{n-r} \xrightarrow{\text{مثال}} \binom{8}{2} = \binom{8}{6} \quad \binom{n}{a} = \binom{n}{b} \Leftrightarrow a+b=n$$

◀ ترکیب‌های زیر را به خاطر بسپارید:

$$\binom{5}{2} = \binom{5}{3} = 10 \quad \binom{6}{3} = 20 \quad \binom{8}{3} = \binom{8}{5} = 56$$

■ نکته

1 انتخاب‌های شامل و فاقد: فرض کنیم میخواهیم از بین n شیء، r شیء را طوری انتخاب کنیم که همواره یک شیء خاص در بین انتخاب شده‌ها باشد. ابتدا آن عضو را انتخاب میکنیم، حال کافی است از $(n-1)$ شیء باقیمانده، $(r-1)$ شیء را انتخاب کنیم، پس

$$\text{تعداد حالات انجام این کار} \binom{n-1}{r-1} \text{ است}$$

2 در حالت کلی اگر k شیء در بین انتخاب شده‌ها باشد، تعداد

$$\text{حالتها برابر با} \binom{n-k}{r-k} \text{ میشود.}$$

■ احتمال

◀ پدیده‌های تصادفی (آزمایشهای تصادفی): پدیده‌ها یا آزمایش‌هایی

هستند که نمیتوان نتیجه آنها را پیش از وقوع به‌طور قطع معین کرد

◀ پدیده‌های قطعی: پدیده‌هایی هستند که میتوان نتیجه آنها را پیش از وقوع به‌طور قطع معین کرد. به عبارت دیگر احتمال وقوع آن، «یک» است. (مانند ظاهر شدن عدد کوچکتر از ۷ در پرتاب یک تاس)

◀ اگر A و B دو پیشامد ناسازگار باشند لزومی ندارد که A و B هم ناسازگار باشند.

◀ احتمال یک پیشامد: اگر فضای نمونه‌ای یک پدیده تصادفی و تعداد اعضای فضای نمونه‌ای S برابر $n(S)$ باشد و همچنین A پیشامدی در S باشد، احتمال پیشامد A را یا $P(A)$ نشان داده میشود و برابر است با:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)}$$

◀ برای حل مسائل احتمال مهمترین اصل، پیدا کردن فضای نمونه یعنی $n(S)$ است.

◀ برای حل مسائل باید دو مرحله را به ترتیب طی کرد:

۱ پیدا کردن فضای نمونه‌ای = مخرج کسر

۲ پیدا کردن پیشامدهای مطلوب = صورت کسر

◀ مقادیر احتمال: احتمال وقوع یک پیشامد همواره عددی بین صفر و یک است. $0 \leq P(A) \leq 1$

◀ همانطور که قبلاً گفته شد اگر A پیشامدی قطعی باشد $P(A) = 1$ و اگر غیرممکن باشد $P(A) = 0$ است. دانستن این نکته از این جهت حائز اهمیت است که جوابی که به دست می‌آورد حتماً باید بین صفر و یک باشد و هر وقت جوابتان بزرگتر از یک بود بدانید که سؤال را اشتباه حل کرده‌اید!

◀ همچنین اگر $A \subseteq B$ آنگاه:

$$A \subseteq B \rightarrow n(A) \leq n(B) \rightarrow P(A) \leq P(B)$$

◀ و اگر A و B دو پیشامد دلخواه باشند آنگاه:

$$P(A \cup B) = P(A) + P(B) - P(A \cap B)$$

◀ و اگر A و B دو پیشامد ناسازگار باشند:

$$P(A \cup B) = P(A) + P(B)$$

◀ پیشامد متمم (مکمل): اگر A یک پیشامد در فضای نمونه S باشد آنگاه مکمل (متمم) A را با نماد A' نشان میدهیم که به معنای رخ ندادن پیشامد A است.

$$\begin{cases} P(A) = \text{احتمال واقع شدن پیشامد} \\ P(A') = \text{احتمال واقع نشدن پیشامد} \end{cases} \text{ پس:}$$

◀ و رابطه‌ی مقابل بین آنها برقرار است:

$$P(A) + P(A') = 1 \rightarrow P(A') = 1 - P(A)$$

◀ در سؤالاتی که باید پیشامد مکمل استفاده کنیم معمولاً لفظ حداقل و حداکثر ذکر شده است.

◀ پدیده‌های غیرممکن: پدیده‌هایی هستند که قطعاً اتفاق نمی‌افتند به عبارت دیگر احتمال وقوع آن «صفر» است. (مانند ظاهر شدن عدد بزرگتر از ۶ در پرتاب یک تاس)

◀ در علم احتمال به مجموعه همه نتایج ممکن یک آزمایش تصادفی «فضای نمونه‌ای» آن آزمایش می‌گوییم که هر یک از نتایج ممکن برآمد نامیده میشود.

◀ نکته اگر یک آزمایش تصادفی m عضو داشته باشد، در صورتیکه این آزمایش را n بار تکرار کنیم تعداد عضوهای فضای نمونه برابر است با:

$$n(s) = m \times m \times \dots \times m = m_n$$

◀ هر زیرمجموعه از فضای نمونه را یک پیشامد می‌گوییم

◀ در پرتاب یک تاس پیشامد ظاهر شدن اعداد زوج برابر است با: $A = \{2, 4, 6\}$ و فضای نمونه‌ای آن برابر است با:

$$S = \{1, 2, 3, 4, 5, 6\}$$

◀ احتمال پیش روی پیشامد:

۱ اجتماع دو پیشامد: اجتماع دورکاری پیشامد A, B را با نماد $A \cup B$ نمایش میدهیم و مفهوم آن یعنی که آنکه حداقل یکی از دو پیشامد رخ دهد یا به عبارت دیگر یعنی پیشامد A یا B یا هر دو رخ دهد.

$$A \cup B = \{x \in S \mid x \in A \vee x \in B\}$$

۲ اشتراک دو پیشامد: اشتراک دو پیشامد A, B را با نماد $A \cap B$ نمایش میدهیم و مفهوم آن یعنی آنکه هر دو پیشامد A و B همزمان رخ میدهند.

$$A \cap B = \{x \in S \mid x \in A \wedge x \in B\}$$

۳ تفاضل دو پیشامد: تفاضل دو پیشامد A, B را با نماد $A - B$ نمایش میدهیم و مفهوم آن یعنی پیشامد A رخ بدهد اما پیشامد B رخ ندهد.

$$A - B = \{x \in S \mid x \in A \wedge x \notin B\}$$

◀ متمم یک پیشامد: متمم پیشامد A را با نماد A' یا A^c نمایش میدهیم و مفهوم آن یعنی پیشامد A رخ ندهد.

$$A' = \{x \in S \mid x \notin A\}$$

◀ تذکر $A' \cap B'$ یعنی هیچ کدام از پیشامدهای A و B رخ ندهد.

$$A' \cap B' = \{x \in S \mid x \notin A \wedge x \notin B\}$$

◀ پیشامد حتمی: اگر پیشامدی برابر با فضای نمونه‌ای باشد، به آن پیشامد حتمی می‌گوییم

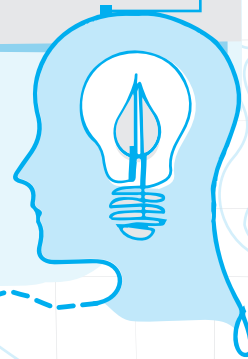
◀ پیشامد نشدنی: پیشامد \emptyset را پیشامد نشدنی می‌گوییم

◀ تفاوت پیشامد و برآمد: پیشامد زیرمجموعه‌ای از فضای نمونه‌ای است؛ اما برآمد هر یک از نتایج ممکن یک آزمایش تصادفی است / پیشامد سازگار: دو پیشامد A و B از فضای نمونه‌ی S را سازگار می‌گوییم: هرگاه $A \cap B = \emptyset$ باشد.

◀ پیشامد ناسازگار: دو پیشامد A و B از فضای نمونه S را ناسازگار می‌گوییم هرگاه $A \cap B = \emptyset$ باشد به عبارت دیگر میتوان گفت اشتراک ندارند

فلسفه و منطق

سال دهم
سال یازدهم
سال دوازدهم



برای آنکه قیاسی معتبر باشد، باید سه شرط درباره آن صادق باشد:

۱ هر دو مقدمه سالبه نباشد (حدقل یکی از مقدمات موجب باشد).
 ۲ حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی (منظور در توضیحات کتاب گفته شده) نداشته باشد (حد وسط حداقل در یکی از مقدمات دارای علامت مثبت باشد).

۳ هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند ← در صورتی که قیاسی یکی از شرطهای فوق را نداشته باشد، **نامعتبر** خواهد بود.

◀ دو تذکر:

۱ هنگام بررسی اعتبار یک قیاس، به موضوع یا محمولی که در نتیجه منفی‌اند، کاری نداریم

۲ در بررسی اعتبار یک قیاس، علاوه بر سه شرط ذکر شده، قانون نتیجه قیاس را بررسی می‌کنیم

درس هشتم؛ قیاس اقترانی

◀ استدلال قیاسی از دو قضیه حملی تشکیل می‌شود.

◀ **نمی‌توان** از دو قضیه که ارتباطی با یکدیگر ندارند نتیجه‌ای به دست آورد.

◀ برای آنکه رابطه‌ای میان دو قضیه برقرار باشد، باید جز مشترکی میان آنها وجود داشته باشد؛ به عبارتی دیگر لازم است **موضوع یا محمول** یکی قرین موضوع یا محمول دیگری باشد. به همین دلیل به این نوع از قیاس، **قیاس اقترانی** می‌گویند.

◀ در قیاس اقترانی، اجزای نتیجه در میان مقدمات پخش شده‌اند.

◀ قیاس اقترانی چهار شکل دارد.

◀ آنچه سبب ارتباط میان دو قضیه می‌گردد ممکن است:

۱ در مقدمه اول محمول و در مقدمه دوم موضوع باشد (شکل اول)

۲ در هر دو مقدمه محمول باشد (شکل دوم)

۳ در هر دو مقدمه موضوع باشد (شکل سوم)

۴ در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول باشد (شکل چهارم).

◀ به **جزء مشترک میان دو قضیه حد وسط** می‌گویند.

◀ اگر از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده است، نتیجه‌گیری شود، فرد دچار **مغالطه عدم تکرار حد وسط** می‌شود.

◀ **شرط اول** برای نتیجه‌گیری از یک قیاس تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) است تا دو قضیه باهم ارتباط بگیرند.

◀ **حد وسط تنها نقش ارتباطی میان دو مقدمه استدلال دارد و در نتیجه حذف می‌شود.** موضوع نتیجه از **مقدمه اول** و محمول آن از **مقدمه دوم** به دست می‌آید.

◀ **کیفیت نتیجه** در قیاس اقترانی از این قانون کلی پیروی می‌کند که «اگر یکی از مقدمات استدلال **سالبه** باشد، نتیجه نیز **سالبه** خواهد بود».

◀ **با مشاهده مقدمات قیاس** می‌توانیم تشخیص دهیم که نتیجه سالبه است یا موجب؛ اگر نتیجه قیاس از این قانون پیروی نکرده باشد، آن قیاس **نامعتبر** است.

◀ در قضایای سالبه **همه مصادیق محمول** و در قضایای موجب **برخی از مصادیق محمول** مورد نظر گوینده است؛ در قضایای شخصی نیز همه مصادیق موضوع مورد نظر میباشند و محمول قضایای شخصی از قانون محمول قضایای محصوره تبعیت می‌کند (برای درک بهتر مطلب حتما صفحات ۷۶ به بعد کتاب خوانده شود)

درس هشتم؛ نگاهی به تاریخچه معرفت

تاریخ فلسفه به ۴ دوره تقسیم می‌شود:

- ۱ **یونان باستان:** شامل فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو
 - ۲ **فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی** تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید اروپا
 - ۳ **دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران:** با ظهور فیلسوفانی مثل ابن سینا، فارابی، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا و...
 - ۴ **دوره جدید اروپا:** از رنسانس با فیلسوفانی مثل بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز میشود و تاکنون ادامه دارد.
- ◀ **آغاز اختلاف (حس یا عقل):** دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط، از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده‌اند. در این دوره معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود اما مسئله شناخت و میزان انطباق آن با واقعیت مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود.
- ◀ بیشتر دانشمندان به شناخت حسی اهمیت میدادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.
- ◀ هر اقلیتوس علاوه بر حس به عقل هم اهمیت میداد؛ او اعتقاد داشت شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در جهان را از طریق حس در می‌یابیم.
- ◀ پارمنیدس معتقد بود شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ میدهد اعتبار ندارد. او معتقد بود حرکت وجود ندارد، و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.
- ◀ سوفسطائیان به دلیل همین اختلاف نظرها و مغالطات، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سوال برده و مدعی بودند نه از حس و نه از عقل نمیشود به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس میکنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد.
- ◀ پروتاگوراس (از سوفسطائیان) میگفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی میدهد؛ خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت (پس حقیقت امری یکسان نیست). او معتقد بود اشیا هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می‌آیند برای تو نیز همان طور هستند.
- ◀ ارسطو با تدوین منطق توانست قواعد استدلال و شیوه‌های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.
- ◀ افلاطون به عقل اهمیت میداد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئنتر از شناخت حسی است. او باور داشت که عقل میتواند جهانی بهتر از جهان طبیعت را بشناسد. وی نام این جهان را **عالم مُثُل** نامید و از نظر او **عالم طبیعت**، سایه **عالم مثل** است. افلاطون **شهود قلبی** را باور داشت و معتقد بود که سقراط آن عالم برتر را مشاهده کرده.
- ◀ ارسطو ادراک حسی را معتبر میدانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می‌شمرد.

◀ در دوره شکوفایی فلسفه در اسلام و ایران، فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که **همگی** سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر میدانستند با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته‌اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده‌اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود وحیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده‌اند.

◀ **فارابی و ابن سینا** مانند افلاطون و ارسطو **حس و عقل** را معتبر میدانستند و برای **شناخت وحیانی** هم اعتبار خاص قائل بودند. این دو فیلسوف نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

◀ **شیخ شهاب الدین سهروردی** مشهور به **شیخ اشراق** علاوه بر فلسفه در عرفان نیز شخصیت مهمی به شمار می‌رود. او بر **شهود** تاکید بسیار دارد و کوشید آنچه به صورت الهامات شهودی به دست آورده بوده **تبیین استدلالی** کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا کند.

◀ **ملاصدرا** در قرن ۱۱ راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که **هویت فلسفی** دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از **شهود و اشراق** نیز بهره‌مند است.

◀ **ملاصدرا** پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که نه تنها تضاد و تناقضی میان داده‌های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد بلکه **عقل و وحی** تأییدکننده یکدیگرند.

◀ **ملاصدرا** در کتاب **اسفار** میگوید: **عقل و دین** در همه احکام خود باهم تطبیق دارند و **حاشا** که احکام شریعت با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه‌ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

◀ **عموم فلاسفه اسلامی** هم برای معرفت حسی و هم معرفت عقلی اعتبار قائل اند و علاوه بر این معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند.

◀ در دوره معاصر فیلسوفان این نظر علامه طباطبائی را قبول دارند و معتقدند که **عقل و حس و شهود و وحی** هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود میتوانند ابزاری برای کسب معرفت باشند. البته میدانیم که معرفت فلسفی متکی بر **استدلال عقلی** است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد (نمیتوان صرفاً با اتکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید).

◀ **دوره جدید اروپا**، از قرن ۱۶ تا کنون است که در این دوره اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج میشود و **علوم تجربی** گسترش می‌یابد.

◀ دوره جدید، با پیشگامی **فرانسیس بیکن** و **دکارت** آغاز شد. در این دوره **مسئله معرفت‌شناسی** در کانون مباحثات فلسفی اروپا قرار گرفت. در این بحث فلسفی، نزاع بر سر این بود که آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد یا استدلال عقلی؟

◀ گروهی که برای **تجربه** اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند به **تجربه‌گرایان** مشهور شدند.

◀ **بیکن** به **اصالت تجربه** معتقد بود و به نظر او فیلسوفان گذشته با **دنبال‌روی** از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر **سبب** شده بود که **علوم تجربی** در خرافات و تعصبات بیجا محصور بماند و **پیشرفت** نکند.

◀ **جان لاک** از بیکن پیروی میکرد و بر تجربه گرایی تاکید ورزیدند. این تاکید از آن جهت اهمیت داشت که در قرون وسطی، کمتر به تجربه توجه میشد و علوم تجربی از عقبماندگی فوق العاده‌ای رنج میبرد و همین تاکید، از عوامل توجه دانشجویان و پژوهشگران به علوم تجربی شد و زمینه ساز پیشرفتهای علمی گردید.

◀ **دکارت** به تفکر عقلی اهمیت بسیار میداد و معتقد بود عقل انسان به طور ذاتی معرفتهایی دارد که از تجربه به دست نیامده‌اند. مانند معرفت به وجود خدا. به اعتقاد او، انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد. ◀ **دکارت** مخالفتی با تجربه و علم تجربی نداشت و خود نقش موثری در پیشرفت علم در اروپا داشت.

◀ آنچه وی را از تجربه‌گرایان جدا میکرد، قبول گزاره و قواعد عقلی بود. ◀ گروهی بعد از دکارت پیدا شدند که نظر او را تایید کردند. این گروه به **عقل‌گرایان** مشهور شدند.

◀ **کانت** کوشش کرد **هم اعتبار عقل و هم تجربه** را اثبات کند و نشان دهد که معرفت حاصل همکاری عقل و حس است. ◀ به نظر کانت انسان مفاهیمی مانند زمان، مکان و علیت را از راه تجربه به دست نمی‌آورد و هر آنچه از طریق حس به او میرسد در قالب این مفاهیم درک میکند.

◀ تلاشهای عقل‌گرایان در برابر تجربه‌گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه‌گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد. از این به بعد در میان تجربه‌گرایان دیدگاه‌های جدیدی بروز کرد که مهمترین آنها **پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایان** بود. ایشان تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را **تجربه** میدانستند و معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره‌ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمیتوانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی‌معنا هستند (مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و... معنای روشنی ندارند و قابل بررسی علمی نیستند). ◀ **اوگوست کنت** از موسسان پوزیتیویسم بود که بار اول از این اصطلاح استفاده کرد.

◀ از اشکالات روش تجربی این بود که نمیتوانست پاسخگوی سوالهای مهم انسان باشد؛ همچنین ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسانها قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. این مشکلات سبب شد که **جریانهای نسبی‌گرا** در داخل تجربه‌گرایی ظهور کنند. ◀ **نسبی‌گرایان** بر این باورند که هر فرد متناسب با با ویژگیهای خود درباره امور به شناختی میرسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. ◀ **جریان دیگر، پراگماتیسم یا اصالت عمل** (مصلحت عملی) است. پراگماتیستها معتقدند گرچه تنها ابزار شناخت اشیا تجربه است اما از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت اشیا را شناخت. بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند و همین فایده به معنی درست بودن است.

◀ **ویلیام جیمز وهانری برگسون** از فیلسوفان تجربه‌گرایی هستند که به **شهود عرفانی و تجربه‌های دینی** نیز معتقدند و به بعد معنوی انسان اهمیت میدهند.

درس دوازدهم؛ حکمت معاصر

جریان فلسفه در دوره معاصر یک تفاوت عمده با دوره‌های قبل دارد و این تفاوت همان ورود فلسفه‌های جدید اروپا به جهان اسلام و از جمله به کشور ما می‌باشد.

در چند قرن اخیر مکاتب فلسفی متعددی در اروپا شکل گرفت و توسعه یافت و به تدریج از مرزهای اروپا فراتر رفت و به سایر جوامع، از جمله، جوامع اسلامی وارد شد و بازار مباحث فلسفی را وارد مرحله جدیدی کرد.

ورود فکری و فلسفی آن مکاتب که در ایران، با آغاز نهضت مشروطه به صورت گسترده‌ای شروع شده بود، تا به امروز ادامه یافت و کتب فلسفی فیلسوفان بزرگ اروپایی به زبان فارسی ترجمه شد؛ دانشجویانی برای آشنایی با فیلسوفان و مکاتب فلسفی اروپایی به آنجا رفتند، رشته‌های تحصیلی مربوط به فیلسوفان اروپایی در دانشگاه‌های ایران تأسیس شد و به تدریج اساتیدی وارد آموزش فلسفه شدند که متخصص در تحلیل و تبیین نظرات فلسفی یک یا چند فیلسوف مشهور و بزرگ اروپایی بودند.

پس از سقوط دولت صفویان که دوره ظهور فیلسوفان بزرگی مانند ملاصدرا بود، نابسامانی‌هایی ایران را فراگرفت که تا مدت‌های طولانی ادامه یافت. این نابسامانی‌ها حیات علمی و فرهنگی را به شدت ضعیف کرد و همه علوم، از جمله فلسفه را از رونق انداخت (با اینکه چند فیلسوف نام آشنا، به تدریس فلسفه اشتغال داشتند، اما حیات فلسفی، شادابی چندانی نداشت).

در اواخر حکومت قاجار که یک جنبش فکری و اجتماعی در ایران شکل گرفت، در حوزه فرهنگ نیز جنب‌وجوشی پدیدار شد و مسائل فکری و فلسفی جدیدی نیز مطرح گردید که زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.

از آنجا که ایران در یک دوره طولانی مهد فلسفه بود و مکاتب بزرگ فلسفی، مانند مکتب مشاء و اشراق و متعالیه در آن رونق داشت، مواجهه بسیاری از فیلسوفان ایرانی با فلسفه‌های اروپایی بدین صورت بود که تلاش کردند با بهره‌گیری از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه‌های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند؛ از این رو تلاش کردند بار دیگر تدریس فلسفه را که به رکود گراییده بود احیا کنند و دست‌اندازان فلسفه را با اندیشه‌های فیلسوفانی چون فارابی، ابن‌سینا، خواجه نصیر و ملاصدرا آشنا نمایند (کانون اصلی این فعالیتها دو شهر قم و تهران بود).

از استادان برجسته فلسفه در عصر حاضر: قشقایی، شعرانی، آشتیانی، رفیعی قزوینی، الهی قمشه‌ای، سید محمد کاظم عصار، آیت‌الله شاه‌آبادی، امام خمینی و علامه طباطبایی.

همگان امام خمینی را به‌عنوان رهبر یک انقلاب مذهبی در قرن چهاردهم هجری می‌شناسند، اما کمتر کسی می‌داند که ایشان، در دوره جوانی و در طی ۲۰ سال، مهم‌ترین و عمیق‌ترین کتب فلسفی و عرفانی، مانند اسفار ملاصدرا و شفا‌ی ابن‌سینا را تدریس می‌کرده است. امام خمینی، برای آموختن فلسفه و عرفان، به حضور استادانی از جمله ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله شاه‌آبادی رسید.

آیت‌الله شاه‌آبادی، بزرگمردی است که در شکلگیری شخصیت امام در ابعاد گوناگون فلسفی و عرفانی و اجتماعی نقش اساسی داشته است، رابطه امام خمینی با ایشان از رابطه شاگردی و استادی فراتر بود.

امام خمینی در شرایطی تدریس فلسفه را در حوزه‌ها آغاز کرد که بسیاری از بزرگان حوزه به شدت با تدریس فلسفه و به خصوص فلسفه صدرایی مخالف بودند و آن را فلسفه‌ای ضد دینی تلقی می‌کردند (به همین جهت حلقه درس ایشان اختصاص به شاگردان نزدیک داشت و علنی نمیشد).

امام در همان سنین جوانی، کتبی در مباحث عرفانی تألیف کردندمانند:

۱) تعلیقات به شرح فصوص الحکم و مصباح الانس

۲) مصباح الهدایه

۳) اراده و طلب

۴) شرح دعای سحر

۵) سر الصلوه

۶) آداب الصلوه.

از استادان بزرگ فلسفه نقل است: که امام در تدریس حکمت متعالیه، بسیاری از مباحث صدرالمتألهین را با بیانی بی‌نظیر تفسیر عرفانی می‌کردند.

امام خمینی که میدانست هر حرکت فکری و فرهنگی و یا انقلاب اجتماعی، نیازمند یاران همفکر و همراه است، تلاش کرد که طلاب مستعد و نواندیش را تحت تربیت فکری و عملی خود قرار دهد و آنان را آماده ورود به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نماید.

علامه طباطبایی بزرگترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی است؛ ایشان در تیریز متولد شد؛ در سال ۱۳۰۴ برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد و به محفل استادان راه یافت و درجات عالی علم در فقه، فلسفه، کلام، ریاضیات و برخی علوم دیگر پیمود و استاد برجسته علوم اسلامی شد.

علامه در عرفان و اخلاق به خدمت عارف بزرگ، «میرزا علی آقا قاضی» رسید و مراتب عالی سیر و سلوک را طی کرد.

علامه طباطبایی هرگاه از تهذیب نفس و سیر و سلوک معنوی سخنی به میان می‌آمد، اظهار می‌کرد که ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، ایشان حتی روش تفسیری خود را که روش تفسیر قرآن به قرآن است، از مرحوم قاضی آموخته بود.

علامه در سال ۱۳۲۵ برای تدریس علوم دینی به قم مهاجرت میکند و در ابتدای ورود به قم، به بررسی شرایط علمی و نیازهای فرهنگی جامعه می‌پردازد و مشاهده میکند که: ۱. اندیشه‌های جدید و مکتب‌های فلسفی که از اروپا به ایران آمده، به خصوص تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم، در حال گسترش است ۲. حوزه‌های علمیه آمادگی لازم برای مواجهه با این افکار را ندارد و تدریس فلسفه و مباحث فلسفی که میتواند زمینه نقد و ارزیابی مکاتب و اندیشه‌های جدید را فراهم کند رونقی ندارد و مورد استقبال قرار نمی‌گیرد و در برنامه درسی طلاب جایگاهی ندارد. علامه پس از بررسی شرایط حوزه، اقداماتی را انجام داد و به نتیجه رساند؛ از جمله:

<p>◀ ایشان علاوه بر تدریس شفای ابن سینا و اسفار ملاصدرا، تصمیم گرفت یک دوره فلسفه اسلامی را به سبکی که مسائل روز در آن طرح شده باشد، تألیف کند؛ فلذا کلاسی تشکیل داد و در آن مکاتب فلسفی و خصوصاً مارکسیسم را مورد نقد قرارداد. حاصل این جلسات کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم است که شامل متن اصلی و پاورقی‌های توضیحی است؛ متن را علامه نوشته و پاورقی‌ها را استاد شهید مطهری که در آن جلسات حضور داشته، به اصل مباحث افزوده است (این کتاب در روشن کردن افکار طلاب و دانشجویان و دانش‌پژوهان نقشی تعیین‌کننده در تاریخ معاصر ایران داشت).</p> <p>◀ علامه و مطهری در این کتاب نشان دادند که می‌توان از ذخیره فلسفی صدرائی بهره گرفت و متناسب با مهم‌ترین مسائل فلسفی روز، مجموعه‌ای تألیف کرد که پاسخگوی نیازهای مادر همین عصر باشد. ویژگی دیگر این کتاب که تا آن روز در حوزه فلسفه سابقه نداشت، نگاه تطبیقی به فلسفه بود؛ علامه و استاد مطهری، در این کتاب، مباحث مهمی مثل معرفت‌شناسی، وجودشناسی، دیدگاه فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست‌ها را با دیدگاه خود در فلسفه اسلامی مقایسه کردند و ارزیابی ارائه دهند.</p> <p>◀ علامه دو کتاب درسی در دو سطح برای تدریس فلسفه نوشت:</p> <p>۱ بدایه الحکمه: برای تدریس در سطوح اولیه ۲ نهایه الحکمه: برای تدریس در سطوح بالاتر و تخصصی‌تر</p>	<p>تدریس فلسفه، ناظر بر مسائل روز فلسفی</p>
<p>◀ یکی از اقداماتی که در آن عصر ضروری بود، توجه دادن جامعه به آموزه‌های قرآن و بهره‌مندی از آن در زندگی روزمره و تحولات اجتماعی بود. علامه، همانطور که خود نوشته‌اند، جلسه تفسیری تشکیل داد و به تفسیر قرآن با سبکی جدید پرداخت که نتیجه آن تألیف یک تفسیر بیست جلدی است. ایشان در این تفسیر، هر آیه از قرآن را به کمک آیات دیگر تفسیر میکند و نشان میدهد که این کتاب یک منظومه و یک مجموعه کاملاً منسجم است. ایشان برای تبیین بیشتر آیات و برای پیوند با مسائل روز، به مباحث مستقل فلسفی نیز می‌پردازد و مباحث فلسفی را در کنار تفسیر آیات ارائه میدهد.</p>	<p>احیا تدریس و تفسیر قرآن</p>
<p>◀ علامه در نظر داشت که فعالیتهای خود را از محدوده حوزه فراتر برد و به دانشگاه‌ها و حتی به محیط‌های فرهنگی جهانی بکشد. ایشان با استادان دانشگاه ملاقات میکرد و برای آنها جلساتی تشکیل میداد.</p> <p>◀ حتی سالیان متمادی در تهران با خاورشناسان بزرگ و فیلسوفانی که برای تحقیق به ایران آمده بودند، دیدار و گفت‌وگو کرد و روح تفکر و فلسفه اسلامی و مذهب تشیع را به ایشات شناساند (به برکت همین فعالیتهای آثار استاد به زبانهای اروپایی برگردانده شد و جهان غرب با تفکر شیعی آشنایی بیشتری پیدا کرد).</p> <p>◀ هانری کربن، فیلسوف فرانسوی که حدود ۲۰ سال با دانشگاه تهران همکاری میکرد، در ملاقاتهای متعددی با علامه طباطبایی، از نظرات ایشان درباره فلسفه، عرفان و مکتب شیعه استفاده کرد. حاصل مذاکرات کربن با علامه، دو جلد کتاب تحت عنوان «شیعه» و «رسالت تشیع» در دنیای امروز میباشد</p>	<p>ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی</p>
<p>◀ حلقه‌های فکری و جلسات تدریسی که علامه در قم آغاز کرد، گرچه ابتدا گمنام بود. اما به سرعت به مهمترین جریان فکری و علمی قم تبدیل شد و آنان که به دنبال تحول در حوزه‌های علمیه و روزآمد کردن مباحث فلسفی و فکری بودند، گرد این استاد جمع شدند.</p> <p>◀ برخی شاگردان: استاد مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله حسن زاده آملی، آیت‌الله محمد تقی مصباح.</p>	<p>تربیت شاگردان</p>

بنا به بیان امام خمینی و علامه طباطبایی، شهید مطهری شاگرد ممتاز این دو استاد به شمار می‌آید.

◀ هر فلسفه‌ای سبک زندگی خاص خود را به دنبال دارد؛ به طوری که یک فلسفه الهی نظیر فلسفه افلاطون و فارابی رنگ و بوی معنوی و الهی به زندگی میبخشد و یک فلسفه مبتنی بر اصالت حس و ماده، سبک زندگی مادی را به ارمغان می‌آورد.

◀ ساختار و نظام فکری هر فرد، مشابه با یک درخت است که مبانی فلسفی پذیرفته‌شده توسط آن فرد به منزله ریشه آن درخت می‌باشد و سایر افکار و اندیشه‌های وی مانند نگاه او به زندگی، به سیاست و خانواده شاخ و برگهای آن درخت شمرده می‌شوند.

◀ افراد جامعه را از نظر درخت‌اندیشه‌شان میتوان به چند دسته تقسیم کرد:

۱ کسانی که کمتر اهل اندیشه ورزی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند. اینان زندگیشان را به تقلید از دیگران می‌گذرانند و تصمیم‌گیری آنها تابع جو حاکم بر جامعه است

۲ کسانی که وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار فلسفی شده‌اند، اما هنوز آن افکار به خوبی در آنها شکل نگرفته و هنوز نمی‌توانند میان آن افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. این افراد در حال رشد و

پیشرفت هستند ۳ برخی در انتخاب ریشه درخت و پایه نظام فکری خود دچار خطا و اشتباه میشوند و ریشه‌های ناکارآمد و ناسالم در زمین زندگی قرار داده‌اند و در نتیجه، به یک سبک زندگی معیوب و ناسالم میرسند ۴ گروهی از افراد که هم ریشه درخت فکری را به درستی انتخاب کرده‌اند و پایه‌های استواری برای نظام فکری خود ساخته‌اند و هم با دقت و تامل به دنبال، شاخ و برگهای سالم و قوی و استواری از آن ریشه استنباط و استخراج کرده‌اند.

◀ سبک زندگی و آثار مکتوب و غیرمکتوب شهید مطهری نشان‌دهنده آن است که ایشان نمونه عالی گروه چهارم میباشد و موفق شده بر اساس عمیق‌ترین اندیشه‌های فلسفی که با نبوغ فکری خود از دو استاد و حکیم بزرگ معاصر آموخته بود و با تفکر وی در قرآن و سخنان معصومین کسب کرده بود، یک نظام فکری و عملی خردمندانه را سامان دهد که در عین اتکا به میراث تمدن اسلامی، پاسخگوی نیازهای زمان و عصر حاضر ما میباشد و ما می‌توانیم تأثیر دیدگاه‌های فلسفی ایشان را در آثاری که در رابطه با زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه نوشته است، به خوبی مشاهده کنیم.

روان‌شناسی

سال یازدهم



درس چهارم؛ حافظه و علل فراموشی

از شگفت‌آورترین پدیده‌های شناختی انسان: حافظه.

حافظه ابزاری برای گذر از شناخت پایه و ورود به شناخت عالی، یعنی تفکر است.

مراحل اصلی حافظه:

۱ رمزگردانی: به حافظه سپردن اطلاعات

۲ ذخیره‌سازی یا اندوزش: نگهداری اطلاعات

۳ بازیابی: به‌خاطر آوردن اطلاعات ذخیره شده.

امکان خطا در تمام مراحل حافظه امکان‌پذیر می‌باشد.

رمزگردانی در کودکان به صورت جز به جز و در بزرگسالان به صورت کلی انجام می‌شود.

رمزگردانی جز به جز شامل جزییات یک موضوع می‌باشد و رمزگردانی کلی دربرگیرنده خلاصه موضوع است.

عدم اعتماد به حافظه کودکان به علت امکان خطای زیاد در حافظه جز به جز می‌باشد.

رمزگردانی به سه صورت شنیداری، دیداری، معنایی است.

زمان ذخیره‌سازی اطلاعات متفاوت است.

بر اساس ذخیره‌سازی می‌توان خاطرات را درجه‌بندی کرد.

در بازیابی، اطلاعات از حافظه فراخوانده می‌شود.

برخی، با اینکه رمزگردانی خوبی دارند و اطلاعات را برای مدت زمان طولانی در ذهن نگه میدارند، نمی‌توانند آنها از حافظه بیرون بیاورند. در پدیده نوک زبانی فرد در مرحله بازیابی مشکل دارد.

بازیابی اطلاعات به نشانه‌های آن اطلاعات وابسته است؛ هرچه نشانه بیشتری داشته باشیم، بازیابی بهتری انجام می‌شود (رابطه مستقیم بین نشانه‌ها و بازیابی).

حافظه حسی: دریافت اطلاعات پیرامون ماز طریق گیرنده‌های حسی.

در حافظه حسی حجم ردهای حسی زیاد، اما مدت ذخیره‌سازی آنها کوتاه است.

مدت زمان ذخیره‌سازی در حافظه حسی کمتر از یک ثانیه و زمان بازیابی آنها حدود نیم ثانیه می‌باشد.

ردهای حسی ذخیره شده در حافظه حسی در صورت توجه به اطلاعات تبدیل می‌شود و به حافظه کوتاه مدت و کاری انتقال می‌یابند.

کارکرد حافظه کاری: ذخیره‌سازی کوتاه مدت و کمک برای اجرای وظایف و تکالیف.

در حافظه کوتاه مدت فقط تا چند دقیقه می‌توانیم اطلاعات را ذخیره کنیم و ملاک ذخیره‌سازی اطلاعات در این حافظه فقط ذخیره‌سازی کوتاه (حداکثر چند دقیقه) است.

مفهوم حافظه کاری نشان‌دهنده این موضوع است که انواع حافظه را نمی‌توانیم صرفاً بر اساس زمان تقسیم‌بندی کنیم؛ بلکه میزان استفاده از اطلاعات، تعیین‌کننده در دسترس بودن یا عدم دسترسی به آن اطلاعات است.

مهمترین علت فراموشی اطلاعات در حافظه کوتاه مدت، محو شدن اطلاعات در حافظه به دلیل گذشت زمان یا جایگزینی اطلاعات جدید می‌باشد.

به یادآوری حداکثر ۵ تا ۹ لغت، فراخوانی ارقام گفته می‌شود.

حافظه کاری، نقش مهمی در تفکر دارد و همانند یک تخته سیاه است که ذهن محاسباتش را بر روی آن انجام می‌دهد.

کارکردهای حافظه کاری:

۱ ذخیره سازی اطلاعات در حافظه کوتاه مدت

۲ ایجاد فضای لازم برای فعالیت جاری ذهن یا تفکر.

نوع رمزگردانی در حافظه بلند مدت، معنایی می‌باشد.

مدت زمان نگهداری اطلاعات در حافظه بلندمدت محدودیتی ندارد.

امکان ذخیره‌سازی اطلاعات در حافظه بلند مدت از چند دقیقه تا آخر عمر است.

ساده‌ترین شیوه انتقال اطلاعات از حافظه کوتاه‌مدت به بلندمدت، بازگویی و تمرین است.

با توجه به نوع اطلاعات، دو حافظه معنایی و رویدادی داریم.

در حافظه معنایی دانش عمومی فرد که مستقل از هویت شخصی فرد است ذخیره می‌شود.

حافظه رویدادی مربوط به تجربه شخصی فرد است که اطلاعات را در زمان و مکان مشخصی تجربه کرده است.

خطاهای حافظه:

۱ حذف کردن

۲ اضافه کردن.

خطای حذف کردن را با عنوان فراموشی میشناسیم یعنی فرد بخشی از اطلاعات به حافظه سپرده شده را فراموش می‌کند.

افرادی که در یادآوری اطلاعات گذشته به تحریف خاطرات یا افسانه بافی روی می‌آورند دچار خطای اضافه کردن شده‌اند.

از رایجترین خطاهای اضافه کردن، بازشناسی غیرواقعی رویدادی است که اتفاق نیفتاده است و فرد به غلط ادعا می‌کند که آن رویداد اتفاق افتاده است؛ در این حالت حافظه کاذب شکل گرفته است.

در محاکم قضایی که از حافظه شاهدان عینی یک حادثه برای جمع آوری مستندات وقوع جرم استفاده می‌شود، به دلیل خطای اضافه کردن، احتمال شکلگیری حافظه کاذب وجود دارد.

فراموشی: ناتوانی در یادآوری و بازشناسی اطلاعاتی که قبلاً وارد حافظه شده است.

ما تمایل نداریم اطلاعات گذشته را فراموش کنیم اما فراموشی خاطرات آزاردهنده نعمت بزرگی است.

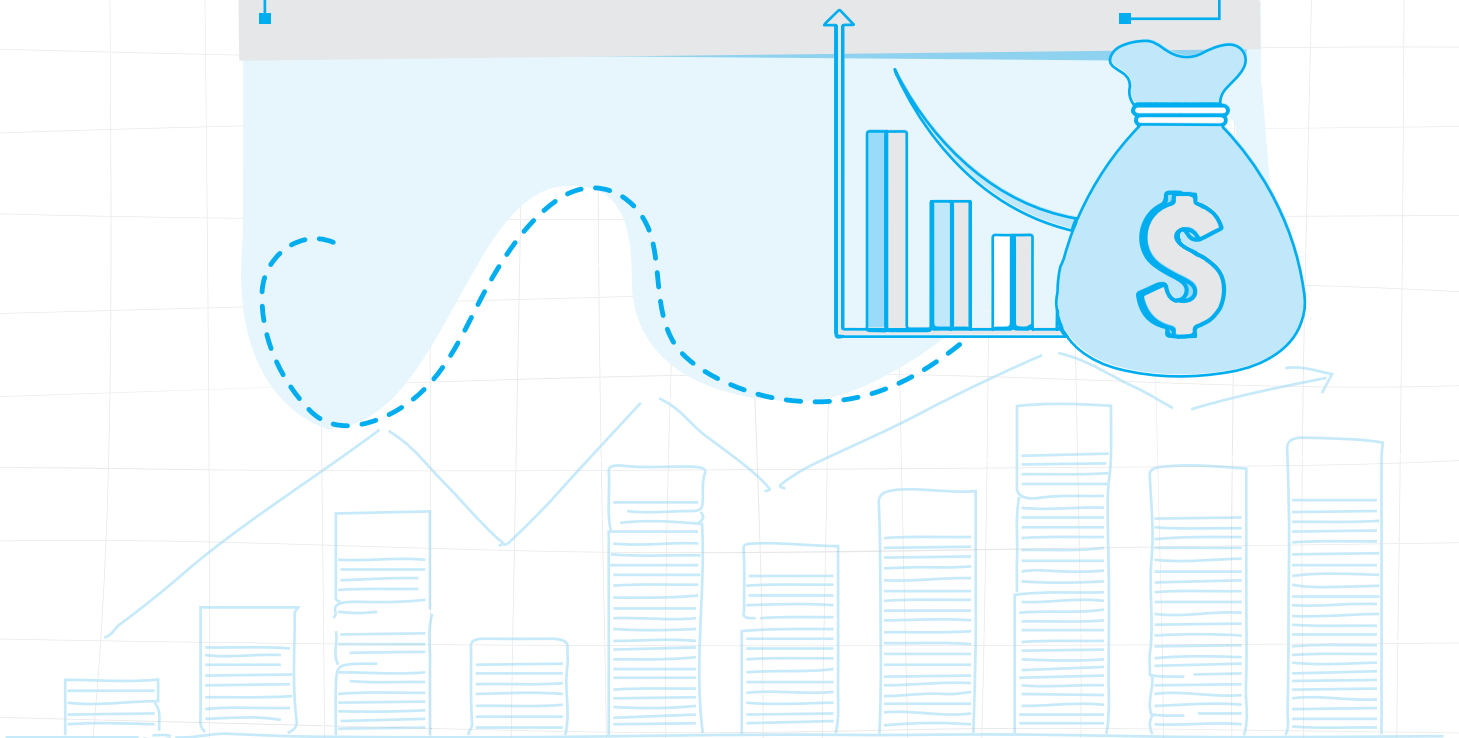
عوامل فراموشی:

۱ گذشت زمان: ابینگهوس از آزمایشش دو نتیجه گرفت: با گذشت زمان بعضی از واژگان فراموش شدند و نیز مقدار فراموشی در ساعات نخست بعد از یادگیری بیشتر است و هرچه بر گذشت زمان افزوده می‌شود، از شدت فراموشی کاسته می‌شود (بعد از گذشت حدود یک ساعت، تقریباً نیمی از مطالب حافظه فراموش می‌شود و بعد از آن با گذشت زمان از شدت فراموشی کاسته می‌شود؛ بهترین شیوه کنترل اثر گذشت زمان، مرور اطلاعات در زمان مناسب است)

- ۲ **تداخل اطلاعات:** اگر پس از یادگیری، فرد به استراحت بپردازد و مطلب جدیدی را یاد نگیرد، در یادآوری عملکرد بهتری دارد
- ۳ **عوامل عاطفی:** هر قدر علاقه به یک موضوع بیشتر باشد، فراموشی آن کمتر است؛ البته دخالت عوامل عاطفی بر حافظه، همیشه به صورت مثبت نیست
- ۴ **عدم رمزگردانی:** بسیاری از فراموشی‌ها ناشی از کم‌توجهی و نبود رمزگردانی است
- ۵ **مشکلات مربوط به نشانه‌های بازیابی:** بسیاری از افراد نشانه‌های کافی و درست برای بازیابی اطلاعات، از حافظه ندارند؛ نشانه‌ها برای بازیابی اطلاعات را می‌توان به دو بخش **درونی و بیرونی** مقایسه کرد؛ نشانه درونی همان نشانه‌های معنایی و ارتباط معنایی است و نشانه بیرونی همان نشانه‌های حسی یا غیر معنایی است.
- برای بازیابی اطلاعات از حافظه، نشانه‌های درونی کارآمدتر از نشانه‌های بیرونی است.
- افرادی که حافظه قوی دارند، باهوشتر نیستند، فقط به فنون بیشتری برای بهسازی حافظه مسلط هستند.
- برای آنکه حافظه پذیرای اطلاعات جدید باشد، باید درباره اهمیت آن اطلاعات کسب کرد؛ مطالب مهم دوست داشتنی‌اند و چیزی که دوست نداشته باشیم به راحتی رمزگردانی نمی‌شود.
- بیشتر افرادی که می‌گویند حافظه ضعیفی دارند در اصل، مشکل توجه دارند نه حافظه؛ باید از توجه ناقص پرهیز کرد و به همین دلیل باید از انتخاب همزمان چند ماده اطلاعاتی پرهیز کرد (وقتی همزمان چند موضوع را به حافظه می‌سپاریم، حاصل آن شکل‌گیری حافظه‌های ضعیف از موضوعات مختلف است).
- مرور یعنی مطالب گذشته را تکرار کنیم که البته منظور تکرار صرف نیست؛ بلکه حین مرور باید از خود پرسید که این بار به چه مفهوم جدیدی رسیدم.
- برای کنترل اثر گذشت زمان فاصله مرور نباید بیش از ۶-۷ ساعت باشد. بیشترین فراموشی در ساعات نخست بعد از یادگیری رخ می‌دهد بنابراین بهترین زمان مرور مطالب چند ساعت بعد از یادگیری است.
- برای کنترل اثر تداخل، باید یادگیری عمیق داشت و بدین منظور، باید علاوه بر واژگان معانی آنها را هم فهمید.
- یادگیری جدید مانع یادآوری اطلاعات قبلی می‌شود.
- یادگیری با فاصله اثر تداخل را کاهش می‌دهد.
- منظور از ساماندهی، نظم بخشی و قفسه‌بندی اطلاعات است.
- اگر اطلاعات را به صورت معنایی تبدیل و از معانی مختلف برای سپردن به حافظه استفاده کرد، مطالب، دیرتر فراموش می‌شوند.
- رمزگردانی بیشتر مطالب به صورت شنیداری است؛ اگر اطلاعات به هر دو صورت شنیداری و دیداری رمزگردانی شوند، رمزگردانی قویتر می‌شود.
- روش پس‌خبا از حروف اول پنج فن **پیش‌خوانی، سوال کردن، خواندن، به خود پس‌دادن و آزمون** است.
- استفاده از سایر اندام‌های بدن در حین مطالعه می‌تواند در یاد آوردن آنها موثر باشد (مانند یادداشت کردن، برجسته کردن مفاهیم، خلاصه نویسی و...).
- بسط معنایی: استفاده از مثالها و مفاهیم متعدد برای بیان مفهوم.
- تمایزبخشی: برجسته کردن تفاوت‌های دو مفهوم به لحاظ ظاهری و معنایی.
- اصرار بر حفظ واژگان کتاب، فراموشی بیشتری به دنبال دارد. برای اینکه دچار فراموشی نشویم بهتر است مطالب یاد گرفته را به زبان خودمانی برای خود بازگو کنیم.
- هر چه بیشتر آزمون دهید نشانه‌های بازیابی بیشتری کسب می‌کنید که به این پدیده اصطلاحاً اثر آزمون گفته می‌شود.
- هدف از داشتن حافظه قوی: شکل‌دهی به تفکر.
- حافظه قوی به تنهایی متضمن موفقیت نیست بلکه حافظه ابزاری جهت دستیابی به مهارت‌های مهمتر همچون تفکر است.
- روش‌های مطالعه بهتر (فقط تیترا مطالب برای جمع‌بندی گفته شده است):
- ۱ بیان اهمیت مطالب
 - ۲ پرهیز از همزمانی چند فعالیت
 - ۳ مرور کارآمد
 - ۴ کاهش فاصله بین یادگیری و یادآوری
 - ۵ کاهش اثر تداخل مطالب
 - ۶ یادگیری با استراحت
 - ۷ ساماندهی مطالب
 - ۸ استفاده از رمزگردانی معنادار
 - ۹ مطالعه چندحسی
 - ۱۰ روش پس‌خبا
 - ۱۱ استفاده چند روش حرکتی
 - ۱۲ بسط معنایی
 - ۱۳ تمایزبخشی
 - ۱۴ برگرداندن به زبان خود
 - ۱۵ آزمون مکرر

اقتصاد

سال دهم



درس هشتم؛ فصل سوم؛ رکود، بیکاری، فقر

◀ گاه از دست دادن شغل به دلیل تغییرات در فناوریهای صنعتی و رویه‌های تولید نیست؛ بلکه عواملی مانند ضعیف بودن ساختار اقتصادی، قاچاق و واردات بی‌رویه و یا تحریمهای اقتصادی، افراد ممکن است بیکار شوند و در این صورت، تولیدات شرکت‌ها کاهش پیدا کرده و اقتصاد کشور گرفتار رکود میشود.

◀ با کاهش تولید و پدید آمدن رکود، کارگران کمتری نیاز است و سرمایه کمتری استفاده خواهد شد. در این شرایط اقتصاد دارای منابع بیکاری است که این منابع، میتواند برای تولید کالا یا خدمت استفاده شود.

◀ وجود منابع بیکار سبب میشود که کشور در زیر مرز امکانات تولید قرار گیرد.

◀ دلایلی که میتواند کشور را در زیر منحنی مرز امکانات تولید قرار دهد؛ شاید برخی کارخانه‌ها بسته شده‌اند یا بعضی کارگرها بیکار هستند. وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، به راحتی میتواند با استفاده از منابع غیرفعال کالا و خدمات زیادی تولید کند.

◀ افرادی که در ازای کاری که انجام میدهند، حقوق یا دستمزد میگیرند، شاغل محسوب میشوند (شغل میتواند تمام وقت یا پاره وقت باشد) همه کسانی که شغل ندارند، بیکار نیستند؛ بیکار کسی است که:

۱) بالاتر از ۱۵ سال سن دارد

۲) دنبال کار میباشد اما کاری برای خود پیدا نمیکند (پس کسانی مثل خانه‌دار، بازنشسته، دانش‌آموز و دانشجو که دنبال کار نمیگردند بیکار نیستند)

◀ جمعیت فعال: افرادی که یا مشغول به کارند یا دنبال کار میگردند.

◀ جمعیت فعال = افراد شاغل + افراد بیکار.

◀ افرادی که بالای ۱۵ سال سن دارند و شاغل و یا بیکار نیستند جمعیت غیرفعال را تشکیل میدهند مثل (دانش‌آموز و دانشجوی بالای ۱۵ سال).
◀ نرخ بیکاری اساسی‌ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال یک کشور میباشد.

◀ نرخ بیکاری از نسبت تعداد بیکاران به کل جمعیت فعال کشور ضربدر صد به دست می‌آید: $100 \times \frac{\text{بیکار جمعیت}}{\text{فعال جمعیت}} = \text{نرخ بیکاری}$

◀ بیکاری بیشتر از آنچه که اعلام میشود حس میشود زیرا

۱) طبق تعریف، کسانی که از جست‌وجوی شغل دلسرد شده‌اند، بیکار به حساب نمی‌آیند

۲) همه کسانی را که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند، شاغل به حساب می‌آورند. درحالی‌که آنها به دنبال شغل تمام وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی‌آورند

۳) همه کسانی که در غیر از زمینه تخصصی خود مشغول به کار باشند، شاغل به حساب می‌آیند

۴) ممکن هست در آمارگیری بعضی افراد به امید بیمه بیکاری و یا به دلیل اشتغال در بخش غیررسمی صداقت لازم را نداشته باشند (این دلایل با اینکه باعث میشود نرخ بیکاری از مقدار واقعی خودش فاصله بگیرد اما هنوز بهترین سنجه برای وضعیت بیکاری در جامعه هست)
◀ نیروی کار در اقتصاد دارای بازار است.

- ◀ در بازار کار، قیمت نیروی کار (دستمزد) با **میزان تقاضا یا عرضه نیروی کار** ارتباط دارد.
- ◀ عرضه‌کننده نیروی کار همان **کارگرانی** هستند که با نیروی بدنی یا فکری خود محصول یا خدمتی را تولید میکنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضا کنندگان کار قرار بدهد.
- ◀ **تقاضاکننده نیروی کار** که گاهی در اقتصاد **کارفرما** هم نامیده میشود؛ صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها و یا سرمایه‌گذارانی هستند که نیروی کار را استخدام میکنند.

تعریف	نوع بیکاری
این بیکاری شامل کسانی میشود که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و به امید یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند. همچنین شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند. این نوع بیکاری کوتاه مدت است و در همه کشورها وجود دارد.	اصطکاکی
زمانی اتفاق می‌افتد که کارگران به دلیل تغییرات فصلی شغل خود را از دست میدهند، مانند برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان.	فصلی
بیکاری‌ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هاست ، مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد؛ ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.	ساختاری
بیکاری‌ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف میکنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار میکنند.	دوره‌ای

- ◀ **پیامدهای بیکاری و رکود:**
- ۱ خانوار درآمد خود را از دست میدهد
- ۲ بسیاری از بیکاران بیمه درمانی را از دست میدهند
- ۳ اگر خانوار دستمزد دیگری نداشته باشد برای **تأمین نیازهای اولیه** خود از پس‌انداز استفاده میکنند و یا از دیگران قرض میگیرند
- ۴ برای **هزینه‌های غیرمترقبه** (غیرقابل پیش‌بینی مثل درمان و خرابی لوازم خانگی) ناتوان میشوند
- ۵ موجب **اختلافات خانوادگی** میشود
- ۶ جرم و جنایت را افزایش میدهد
- ۷ تاثیر منفی بر **بودجه دولت** دارد
- ۸ دولت را مجبور میکند تا پول بیشتری را صرف برنامه‌های **اجتماعی** مانند بیمه بیکاری و کمک به تغذیه خانواده‌های نیازمند کند؛ درحالیکه درآمد مالیات دولت به دلیل بیکار بودن کارگران و کاهش تولید شرکتها کاهش یافته است
- ۹ **فقر** را افزایش میدهد.
- ◀ فقر پیامد غم‌انگیز بیکاری و رکود است.
- ◀ بسیاری از کشورهای جهان درگیر مسائل مرتبط با فقر و بیکاری هستند؛ حتی کشورهایی با درآمد بالا.
- ◀ در کل جهان ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق به سر میبرند.
- ◀ روش کلی **تعیین میزان فقر** مقایسه دو شاخص
- ۱ نیازمندی‌های افراد و یا خانوارها
- ۲ توانمندی آن‌ها برای رفع نیازها میباشد.
- از آنجا که کافی بودن یا نبودن شاخصهای تعیین فقر به وضعیت نسبی رفاه گروه‌ها و طبقات مختلف مردم برمیگردد، ممکن است میزانی از این شاخصها که برای یک گروه کافی به نظر برسد، برای گروه دیگر **ناکافی** باشد (این وضعیت به ویژه در مقایسه نواحی‌ای که از **نظر سطح رفاه** یکسان نیستند، مانند شهر و روستا، صدق میکند).
- ◀ در **فقر نسبی** تعریف فقر نسبت به وضعیتی که مادر آن هستیم، صورت
- میگیرد. از این رو معیار فقر در نواحی و زمانهای مختلف متفاوت است.
- ◀ محاسبه تعداد افراد فقیر براساس فقر نسبی کار بسیار سخت و دشواری میباشد.
- ◀ مطابق با مفهوم **فقر مطلق** میتوان معیاری برای سنجش میزان فقر در نظر گرفت؛ مثلاً مطابق معیار بانک جهانی، افرادی که زیر ۱/۹ دلار (PPP) در روز درآمد دارند، زیر خط فقر مطلق اند و از **تأمین احتیاجات اولیه زندگی** خود عاجزند (بر این اساس میتوان تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه کشورها را معیاری برای رتبه‌بندی آنها از نظر فقر در نظر گرفت).
- ◀ در **شاخص فقر مطلق**، ارزش دلار از طریق روش **برابری قدرت خرید (PPP)** محاسبه می‌شود.
- ◀ برخی تولید کنندگان از
- ۱ ورود کالاهای تولیدی‌شان توسط قاچاقچیان،
- ۲ بازپرداخت وامهای کلان بانکی
- ۳ نبود فضای مناسب کسب و کار، گله دارند.
- ◀ قاچاق و واردات کالایی که مشابه آن در کشور تولید میشود، یکی از عوامل مهم بیکاری و فقر است.
- ◀ گاه قانون‌گذار بهای متعدد، متناقض و دائمی در حال تغییر، بر بی‌ثباتی فضای کسب و کار دامن می‌زند. دلایل دیگر این بی‌ثباتی عبارتند از:
- ۱ اختلال در بازارهای انرژی جهان
- ۲ بحرانهای محیط زیستی یا بهداشتی
- یکی از وظایف دولت‌ها در هر کشوری **اجرای سیاست فقرزدایی** و **برقراری عدالت** است، همچنین دولت‌ها موظفند از طریق
- ۱ حمایت از شرکتهای تولیدی
- ۲ مبارزه با فساد، با فقر و بیکاری مبارزه کنند.
- ◀ برای حفاظت از پیشرفتهای اقتصادی خود مسئولیت دارند و میتوانند با ۱ ایجاد نهادهای توانمندسازی ۲ خیریه و کمکهای مردمی ۳ تأسیس صندوقهای **قرض الحسنه** ۴ فعالیت جهادی، از یکدیگر در برابر خطر فقر و نابرابری محافظت کنند.